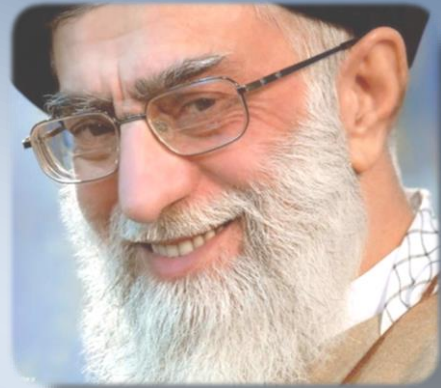


در همه‌ی حرکت‌های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقصها و آفت‌زدائی‌ها و شناخت آسیبها، برای اینکه ضعفها بر طرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.



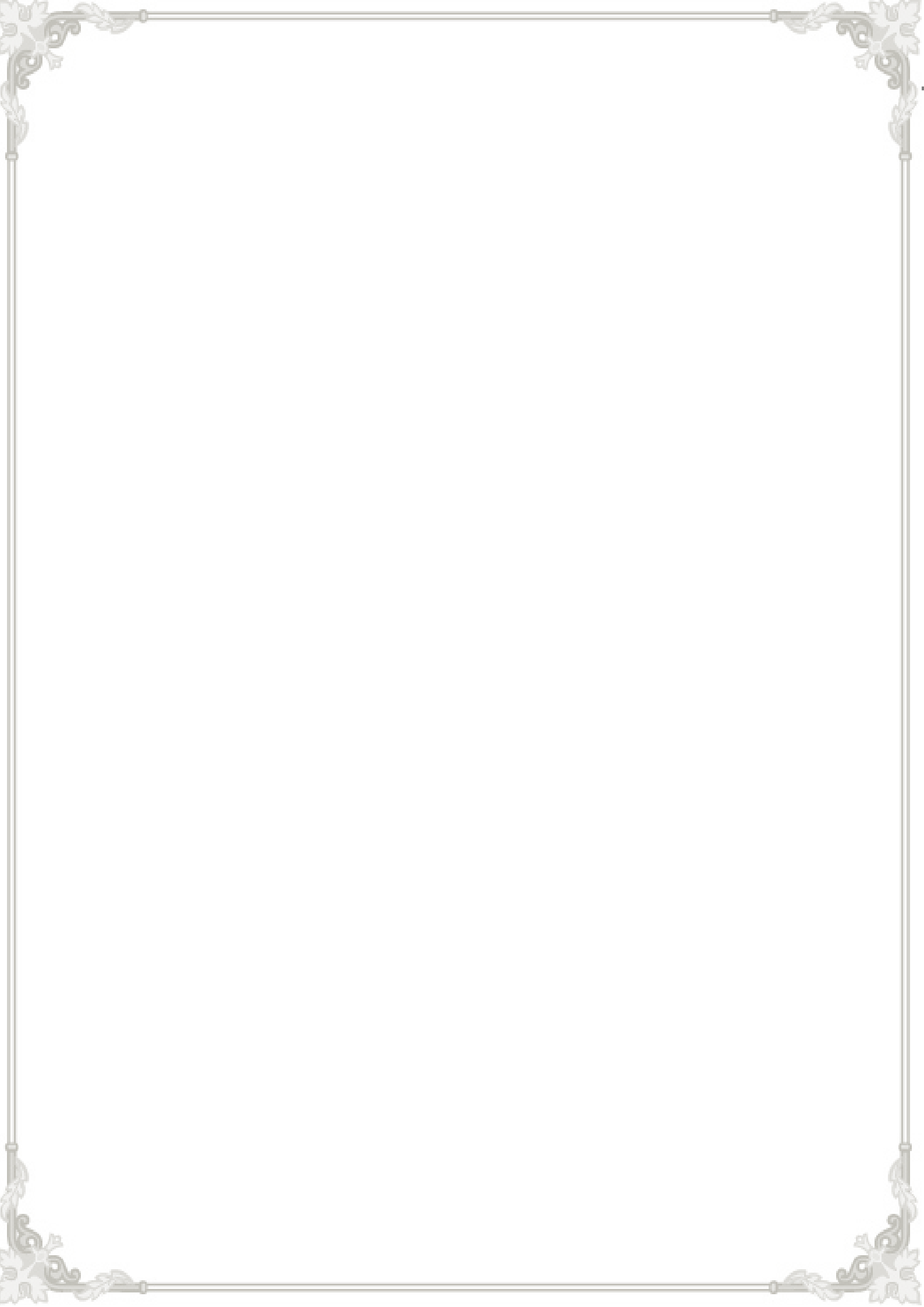
امام خامنه‌ای ۱۳۸۸/۰۹/۰۴

## معرفی اجمالی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

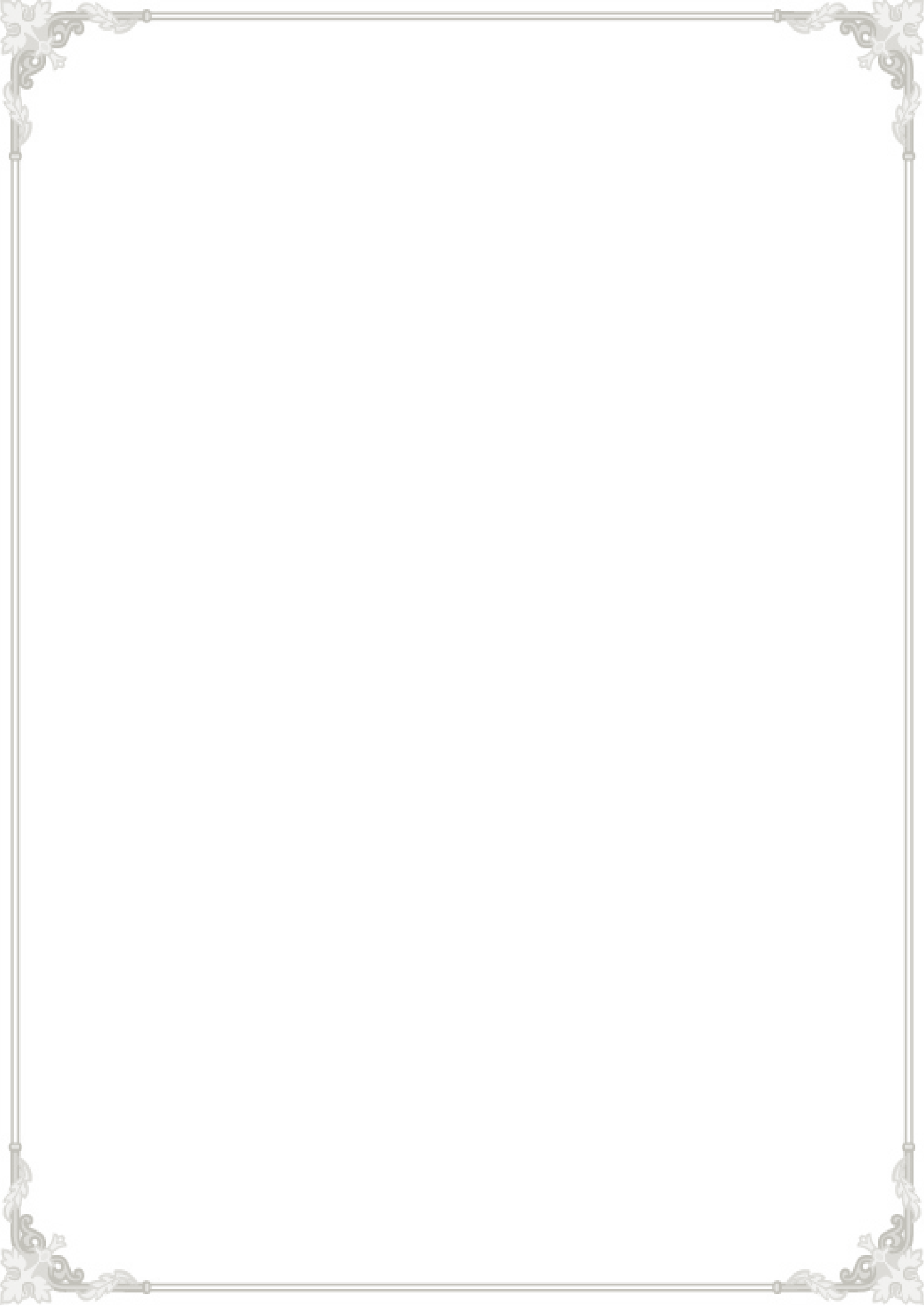
از منظر آسیب‌شناسی نحوه‌ی برگزاری همایش‌های پاسخ‌گویی به مسائل نو و تاسیسی انقلاب و ارائه‌ی تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان راه حل بر طرف‌کننده‌ی این آسیب



مصاحبه‌ی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با سایت خبری تریبون مستظرفین



رسالة محمد



در همه‌ی حرکت‌های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقصها و آفت‌زدائی‌ها و شناخت آسیبها، برای اینکه ضعفها برطرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.

امام خامنه‌ای ۱۳۸۸/۰۹/۰۴

## معرفی اجمالی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

از منظر آسیب‌شناسی نحوه‌ی برگزاری همایش‌های پاسخ‌گویی به مسائل تاسیسی انقلاب

و ارائه‌ی تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان راه حل بر طرف‌کننده‌ی این آسیب

### تذکره:

ماهیت مباحث تاسیسی و نو در ادبیات سیاسی و حکومتی مقارن است با طرح مباحث جدید و دعوت از نخبگان برای مشارکت در مباحث به منظور تکمیل و بهینه‌سازی محتوایی و موضوعی. برای نیل به این هدف مرسوم در عرف اجتماعی و جامعه‌ی علمی، برگزاری همایش و دعوت از صاحبان نظران و ایده‌پردازان در عرصه‌های گوناگون برای مشارکت و تضارب آراء میباشد. در این راستا و در پی طرح مسائل و خواسته‌های نو و تاسیسی، مطرح شده توسط نهاد متکفل تنظیم جهت نظام، از جمله مسائلی همچون اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و الگوی پیشرفت اسلامی، که ذاتا مباحثی نو در ادبیات اداره‌ی جامعه می‌باشند، همایش‌هایی برگزار می‌گردد. آفت شناسایی شده برای این همایش‌ها تبیین اجمالی از رویکرد برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در همایش می‌باشد. آسیبی که این آفت در پی دارد یکسان‌انگاری و انحلال مسئله‌ی جدید انقلاب در مسائل قدیمی مطرح شده و بررسی شده می‌باشد. در نتیجه بررسی مسئله‌ی جدید انقلاب متوقف در آن مسائل شده و به آن قلب میگردد. راه حل ارائه شده توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای خلاصی از این آفت پرداختن به تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی به عنوان شالوده‌ی هرگونه حرکت و بنا که قصد احداث آنرا داشته باشیم می‌باشد. جزوه‌ی حاضر معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با رویکرد آسیب‌شناسانه به این مسئله می‌باشد.



شورای راهبردی تولید الگوی پیشرفت اسلامی در سال ۱۳۸۵ و در پی سخنرانی تاریخی آیت الله امام خامنه ای پیرامون مدیریت تحولات براساس مبانی اسلامی و حرکت به سمت تولید الگوی پیشرفت اسلامی؛ فعالیت های خود را در راستای منویات رهبری تنظیم و به حواله و قوه الهی در بهمن ماه سال ۱۳۹۰ هجری شمسی برابر با ربیع الاول ۱۴۳۴ هجری قمری از اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی رونمایی کرد.

## فهرست

مکان مصاحبه ..... دفتر سایت تریبون مستظرفین

تاریخ مصاحبه ..... ۱۳۹۱

پیاپی و ویراست ..... تریبون مستظرفین

تاریخ پیاپی و ویراست ..... ۱۳۹۱

فهرست نویسی ..... برنامه نوزی

تاریخ فهرست نویسی ..... ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

طراحی صفحه ..... برنامه نوزی

تاریخ نشر جزوه ..... ۱۳۹۲/۰۷/۰۴

برای دریافت اطلاعات بیشتر به آدرس های زیر مراجعه نمایید

<http://nro-di.blog.ir>

<http://pishraft-qom2.blog.ir>



## فهرست اجمالی

- ۱- تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت فعالیت های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی قم ..... ۸
- ۲- آسیب شناسی پرداختن به مسائل نو و تاسیسی به عنوان سفارش علمی توسط رهبری به نخبگان از جمله اقتصاد مقاومتی، تبیین نسبت عدالت و پیشرفت، الگوی پیشرفت اسلامی، اصلاح الگوی مصرف و ..... ۱۰
- ۳- ملاحظه ی نتیجه ی به کارگیری الگوی توسعه ی غربی در پی بررسی وضعیت کشورهای توسعه یافته G8 به صورت عینی و ملموس ..... ۱۵
- ۴- لزوم انتخاب مبنای اداره ی جامعه بر مبنای دین یا دین داران در جهت تفصیل ایده ی اداره ی جامعه بر مبنای دین ..... ۱۶
- ۵- تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی، راه حل ارائه شده توسط شورای الگوی پیشرفت برای جلوگیری از آسیب های نامبرده در همایش های مربوط به پاسخ به مسائل انقلاب اسلامی و به عنوان یک الزام برای همه ی همایش های از این دست ..... ۱۷
- ۶- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ابزار توانمندسازی ساختارها و تحقق دولت اسلامی ..... ۲۸



## ۱- تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت فعالیت های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی قم

ما یک شورای مردمی در قم راه اندازی کردیم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی». فعلاً اولویت کاری ما مسئله نقشه‌ی راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی است.

### ۱/۱- طرح مسئله ی الگوی پیشرفت در کشور با سه دستور کار

برای این که مسئله را در کشور مطرح کنیم، سه دستور کار پیش رو داریم.

۱/۱/۱- دستور کار اول: معرفی نقشه راه شورا تولید شده در عرض ۱۵ سال

یکی، معرفی نقشه راه خودمان است که مستحضرید حدود ۱۵ سال کار برده است.

۱/۱/۱/۱- ده سال پرداختن به مبانی انقلاب و پنج سال ناظر به راهکار تغییر در ساختارهای نظام به صورت کاربردی

چهار سالش مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌هایمان بوده است. حدود ده سال هم مطالعاتی مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده است. -شاید آن ده سال بیشتر مبانی مد نظر بوده است- در چهار سال اخیر بیشتر به کاربرد نزدیک شدیم.

علی‌ای‌حال، معرفی نقشه‌ی راه در قالب ساختاری که خدمت‌تان عرض می‌کنم، کار اصلی ما و در واقع کار تبعی ماست.

۱/۱/۲- دستور کار دوم: برقراری ارتباط میان محورهای نقشه راه با نهادهای نظام (تشکیل کارگروه‌ها)

کار دیگری هم داریم درباره‌ی محورهای نقشه‌ی راه، که با نهادهای نظام ارتباط دارد.

۱/۱/۲/۱- محورهای ۲۷ گانه ی تعریف شده برای نقشه راه، در دو دسته ی دارای نهاد متکفل در نظام و بدون نهاد متکفل با ضرورت تأسیس این نهادها

چون به هر حال نقشه‌ی راه الگوی راه پیشرفت اسلامی که دوستان ما تهیه کردند، ۲۷ محور دارد که این ۲۷ محور یا نهادی در نظام متکفلش است (که ما با آن نهاد ارتباط می‌گیریم و مباحث مربوط به نقشه را با آن‌ها در میان می‌گذاریم) یا نهادی متکفل‌شان نیست که باید به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح کنیم. پس ارتباط محورهای نقشه با نهادهای نظام شد کار دوم.

۱/۱/۳- دستور کار سوم: تولید سیاست‌های کلان اداره ی کشور در قالب برنامه ی پیشرفت، و ارائه ی آن به دفتر مقام معظم رهبری

کار سومی که در دستور کار داریم، خدای متعال توفیق عنایت کردند و در برنامه‌ی آتی اداره‌ی کشور سیاست‌های کلانی را بنا داریم مبتنی بر نقشه راه تنظیم کرده و به دفتر مقام معظم رهبری پیشنهاد کنیم که مبتنی بر این نقشه راه ما، باید چه تغییراتی در برنامه آتی اداره کشور ایجاد شود. برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه. برنامه‌ای که باید ثروت ایجاد شود. در واقع باید ان شاءالله آن برنامه را برنامه‌ی پیشرفت کشور نام‌گذاری کنیم. این هم کار سوم.



پس ما در شورای راهبردی به سه کار مشغولی هستیم.

۱- برگزاری نشست‌های معرفی

۲- تشکیل کارگروه‌های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه

۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور.

۱/۱/۱۲- نشست‌های معرفی نقشه راه با سه روش

این نشست‌های معرفی، سه مدل است.

۱/۱/۲۱- نشست‌های خانگی، مخصوص مستضعفین در قالب مهمانی و اطعام با شرکت نخبگان و آشنایان، شوه‌ای ابداعی و رضایت‌مندانه

یکی نشست‌های خانگی داریم، که مخصوص مستضعفین است. یعنی یک نفر میزبان می‌شود و اطعامی هم می‌کند. مانند مهمانی و معمولاً به این صورت است که میزبان با مجموعه رفقای نخبه‌ی خودش رایزنی می‌کند. ما یک نشست خانگی درباره‌ی نقشه‌ی راه برگزار می‌کنیم. به نظرم تجربه‌ی خوبی است و ما هم از این نشست‌ها خیلی راضی هستیم.

۱/۱/۲۲- نشست‌های خبری با رسانه‌ها، به منظور قرار گرفتن محورهای نقشه راه در دستور کار تولید خبر

یک سبک نشست هم در رسانه‌ها داریم، که شاید نشستی که در خدمت شما هستیم دومی یا سومی باشد. با تیمی که سیاست‌های خبری سایت‌ها و خبرگزاری‌ها را تعیین می‌کنند، مباحثه می‌کنیم که محورها در دستور کار تولید خبر قرار گیرد. این نشست در واقع چنین نشستی است.

۱/۱/۲۳- نشست معرفی با حوزویان و دانشگاهیان

یک نشست‌هایی هم با حوزویان و دانشگاهیان داریم.

در هر سه این نشست‌ها بحث معرفی نقشه راه مطرح است.

۱/۱/۲۴- ایجاد کارگروه متشکل از نمایندگان مجلس در مجلس جهت اصلاح نحوه‌ی قانون‌گذاری

در گزارش بخش تشکیل کارگروه‌ها هم باید بگویم در حال تشکیل یک کارگروه با ۷-۸ نفر از نمایندگان مجلس هستیم تا بحث اصلاح نحوه‌ی قانون‌گذاری را پیش ببریم. امیدواریم در روزهای آتی اولین کارگروه مشترک‌مان با مجلس تشکیل شود.

بحث‌های دیگری هم درباره‌ی پیش‌گیری از جرم و بقیه موارد مطرح است که گزارش آن‌ها را برای وقت دیگری می‌گذاریم.

این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود، که بر اساس نقشه راه گاه معرفی‌اش می‌کنیم و گاهی با مدیران بر اساسش تصمیم‌سازی می‌کنیم.



## ۱/۲- به هم زدن تعادل کل برنامه های توسعه، هدف شورای راهبردی

ما می خواهیم تعادل کل برنامه توسعه را به هم بزیم.

۱/۲/۱- تغییر در محور برنامه ریزی های توسعه از مبنای اقتصاد به مبنای فرهنگ در قالب برنامه ی پیشرفت

چون برنامه های توسعه الان به محوریت اقتصاد نوشته می شود و به نظر می رسد با محوریت فرهنگ می شود برنامه های پیشرفت کشور را عوض کرد.

اگر اولین نسخه اش بیرون بیاید تجربه ای خواهد شد. این گزارش مفصلی از این فعالیت ها بود که خدمت تان عرض کردم.

## ۲- آسیب شناسی پرداختن به مسائل نو و تأسیسی به عنوان سفارش علمی توسط رهبری به نخبگان از جمله

### اقتصاد مقاومتی، تبیین نسبت عدالت و پیشرفت، الگوی پیشرفت اسلامی، اصلاح الگوی مصرف و...

از یک آسیب شناسی شروع می کنم که امروز در کارهای فکری انقلاب به آن مبتلا هستیم. آن آسیب به صورت خلاصه این است که از یک طرف در ادبیات انقلاب یک سری سفارشات علمی مطرح شده است. فرض کنید رهبری معظم سفارش کرده اند که اقتصاد مقاومتی تبیین شود. یا سفارش فرموده اند نسبت بین عدالت و پیشرفت تبیین شود. دهه چهارم را هم ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری کرده اند؛ یا چگونگی اصلاح الگوی مصرف. خود بحث چیستی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یا مثلاً تاثیر گذاری برنامه ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده. این دست موضوعات جدیدی که در ادبیات انقلاب مطرح و به نخبگان سفارش شده است اگر شما در دپارتمان های علم دنیا دنبالش بگردید جوابی برایش نیست. چرا؟ چون موضوعی نو و تأسیسی است. یک طرف قضیه این است که یک سری موضوعات نو و تأسیسی در ادبیات انقلاب به نخبگان سفارش شده است. می خواهیم آسیبی را تبیین کنیم تا به نقشه راه برسیم.

## ۲/۱- آسیب شناسی ورود حوزویان و دانشگاهیان به عرصه ی پاسخ گویی به سوالات جدید در قالب نشست ها

طرف دیگر این است که حوزویان و دانشگاهیان که دو نهاد تخصصی جامعه ی اسلامی ما هستند ورود پیدا کنند به نشست، کارگاه، مقاله، کتاب و پاسخ این سوالات را پیدا کنند. این از اول انقلاب بوده است.

۲/۱/۱- برگزاری نشست ها، متعاقب طرح مباحث جدیدی همچون زمان و مکان در اجتهاد یا بحث انقلاب فرهنگی توسط امام خمینی (ره) و بسط

این سوالات جدید توسط امام خامنه ای (دام ظلّه)

مثلاً فرض کنید امام راحل عظیم الشان وقتی بحث زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند، این بحث، بحث جدیدی بود که ایشان در حوزه فقه مطرح کردند که همایش هایش در قم برگزار شد. یا بحث های دیگر که در حوزه ی اجرایی کشور یا در حوزه ی مباحث



دانشگاهی مانند بحث انقلاب فرهنگی مطرح شد و بعد هم آیت‌الله خامنه‌ای موضوعات را بسط دادند، گسترده کردند و تبیین کردند. یعنی شرح و بسط دادند. این‌ها وقتی مطرح می‌شود یک سری نشست‌ها و همایش‌ها برگزار می‌شود.

۲/۱/۱/۱- انحلال مسئله جدید انقلاب در یک مسئله قدیمی و پرداختن به آن، آسیب‌برگزاری این نشست‌ها

شما وقتی خروجی نشست‌ها و همایش‌ها را بررسی می‌کنید که نسبت به این سوالاتی که در ادبیات انقلاب مطرح شده چه پاسخی داده شده؟ با کمال تعجب می‌بینید که صورت مسئله‌ی انقلاب منحل شده در یک صورت مسئله‌ای که قبلاً بوده است. و بعد همان پاسخ‌هایی که قبلاً به آن سوالات داده می‌شده، در این همایش‌ها به این سوالات داده می‌شود. حداقل یک تعداد زیادی از این مقالات و سخنرانی‌ها این حالت را دارند.

۲/۱/۱/۱- انحلال مسئله جدید الگوی پیشرفت اسلامی در مسئله قدیمی الگوی توسعه و پرداختن به آن، به عنوان نمونه‌ای از آسیب‌برگزاری این نشست‌ها

مثلاً فرض کنید نشستی برگزار شده در جمهوری اسلامی، تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی. شما می‌بینید یکی از شخصیت‌های شناخته شده که معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای هست، مقاله‌ای دارد و در این نشست شرکت کرده است. مسئله این که پیشرفت چیست و الگویی چیست را منحل کرده در اینکه توسعه چیست و الگویی چیست؟ و بعد همان پاسخ‌هایی که در دیپارتمان‌ها به روش ایجاد توسعه در کشورهایی که توسعه نیافته‌اند، در مقاله‌اش داده شده است. سؤال را قلب می‌کنند. سؤال برای کسی که در نشست شرکت کرده، سؤال جدیدی نبوده است. همان سؤال قبلی بوده است و نهایتاً الفاظ تغییر کرده است.

۲/۱/۱/۲- انحلال مسئله جدید زمان و مکان در اجتهاد در مسئله قدیمی زمان و مکان در اجرای حکم (تزاحم)، نمونه‌ای دیگر از آسیب‌برگزاری این نشست‌ها

فرض کنید در همان مثال زمان و مکان در اجتهاد، یک آقای فقهی در جلسه شرکت کرده و سخنران هم بوده. شما وقتی سخنرانی‌ش را بررسی می‌کنید، می‌بینید که زمان و مکان در اجتهاد را به زمان و مکان در اجرای حکم یا همان **تزاحم** که قبلاً فقها جوابش را دادند، مربوط کرده است. بالاخره در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد. مثال معروفش این است که شما می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است. اجرای همزمان این دو حکم، نجات جان یک انسان واجب است و «اقم الصلوه» هم که واجب است. شما هم می‌خواهید آخر وقت بخوانید. اینها در این شرایط مکانی و در این شرایط زمانی اجرای‌شان تزاحم ایجاد کرده است. اگر مسئله تزاحم است، فقها زیاد درباره‌اش بحث کرده‌اند. او سؤال را منحل کرده است در مفهوم تزاحم و بعد شرایط مکان و زمان و آن جواب را داده است.

اگر کسی بررسی کارشناسی کند در همایش‌های سی ساله که برگزار شده است، این مثال‌هایی که عرض کردم را می‌بیند.

۲/۱/۱/۳- انحلال مسئله جدید اقتصاد مقاومتی در مسئله قدیمی و پاسخ به آن، نمونه‌ای از آسیب‌برگزاری این نشست‌ها

اخیراً هم در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، می‌بینیم که همین اتفاق در حال تکرار شدن است. یعنی نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده است، یا به عنوان سخنران افتتاحیه یا از او مقاله‌ای آورده شده است و یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می‌کند همان سؤال قبل را یک طوری به سوال جدید تحمیل کند.



۲/۱/۱/۴- متهم کردن رهبران نظام به عدم طرح مسائل نو و فهم با تاخیر همان مسائل قدیمی، آسیبی دیگر از برگزاری این گونه نشست ها

یعنی سؤال جدید، چیز نویی نیست، همان است و اتفاقاً حاصلش این می‌شود و می‌گویند ما قبلاً این را می‌گفتیم و رهبران انقلاب تازه این را متوجه شده‌اند!

این تفاوت سؤال انقلاب از همایش‌ها، نشست‌ها، مصاحبه‌ها فهم نشده است و فرقی با سؤالات رایجی که در دپارتمان‌ها و در نزد نخبگان و در کتاب‌ها هست، فهم نشده است. این آفتی است که همایش‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات انقلاب دچارش شده‌اند.

۲/۱/۲- عدم تبیین روشن مسائل تاسیسی انقلاب نزد برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان این همایش‌ها، خلاصه‌ی آسیب‌شناسی همایش‌ها

اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم: عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تاسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این گونه همایش‌ها، این آفتی است که ما به آن مبتلاً هستیم.

۲/۱/۲/۱- انحلال مسئله‌ی جدید انقلاب در یک مسئله‌ی قدیمی و نادیده گرفته شدن ایده‌ی نو اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، نتیجه‌ی مرتفع نشدن این آسیب

اگر چاره‌اش نکنیم چه می‌شود؟ شما گفتید که یک حرف نو در دنیا دارید، وقتی می‌خواهید نخبگان را وادار کنید که این سوال نو را پردازش کنند و جوابش را تولید کنند، اگر سوال خوب تبیین نشود، سوال منحل می‌شود در سوال قبلی و این حرف اصلی شما که من ایده‌ی نویی در اداره جامعه دارم که اداره جامعه بر مبنای دین است، آن ایده‌ی نو نادیده گرفته می‌شود، چون جوابی برایش تولید نمی‌شود. چون هرچه نشست گذاشتیم تا جواب آن سؤالات را تولید کنیم، همه‌ی آن نشست‌ها در واقع برای پاسخ به سؤالات رایجی بوده که در دنیا مطرح می‌شده است.

۲/۱/۲/۲- اکتفای حد اقلی به ترکیب همان الگوی توسعه‌ی موجود با بوم، نتیجه‌ی مرتفع نکردن این آسیب طی چند دهه‌ی آینده

اگر ما این را ملاحظه نکنیم، در بیست سی سال آینده به این نتیجه می‌رسیم که باید همین راه‌های موجود دنیا را رفت. نهایتاً بوم ایران را در نظر گرفت مانند بقیه کشورها که شرایط بومی خود را در نظر می‌گیرند. شما ملاحظه بوم را بکنید، ولی راه پیش روی بشریت همین توسعه یافتگی است.

۲/۱/۲/۳- القای نادرست بودن مسیر طی شده‌ی ایران در ۸۰ سال گذشته و شعاری بودن اهداف انقلاب، نتیجه‌ی علاج نکردن این آسیب

این معنایش این است که هفتاد هشتاد سال این راهی که آمدیم، این راه شعار بوده و اشتباه بوده است. یعنی در نهایت علاج نکردن این آفت و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی!

۲/۲- تبیین تطبیقی مسائل انقلاب با مسائل رایج دنیا (به عنوان نمونه الگوی پیشرفت اسلامی و الگوی توسعه غربی) و

تبیین اشتراکات و تفاوت‌های آنها برای متولد کردن مسئله‌ی جمهوری اسلامی، راه حل رفع این آسیب‌ها

این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد. مثلاً اگر شما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید، یک طرفش مفهوم توسعه‌یافتگی در دنیا راجع به آن بحث شده است. باید بگویید پیشرفت با توسعه چه فرقی دارد. حتماً باید در مقام تطبیق مسئله



جمهوری اسلامی را متولد کنیم. یعنی راه رایج دنیا و راه کشور تبیین شود و بعد پیشرفت اسلامی که شما مدعیش هستید بحث شود. نقاط اشتراک و اختلاف بحث شود تا مسئله روشن شود.

۱/۲/۲- اختلاف مبنایی مسائل انقلاب با مسائل رایج دنیا به معنای مد نظر نبودن تغییرات بومی و روبنایی در مسائل رایج دنیا و تبدیل آنها به

### پاسخی برای مسئله انقلاب

منظور تان این است که این الگوی پیشرفت که می‌گویید، بومی شده‌ی توسعه‌ی موبور نیست؟

نه نیست. بحث بر سر همین است که عده‌ای می‌خواهند بگویند الگوی پیشرفت اسلامی همان بومی شده‌ی توسعه است. ما همین سوال را ببریم در اقتصاد مقاومتی. همین سوال را ببریم در اصلاح الگوی مصرف. مثلاً ممکن است کارشناسی بگوید اصلاح الگوی مصرف همین رعایت استانداردهاست. وقتی استانداردهای هر بخش را که به صورت علمی تهیه شده است رعایت کنیم، می‌شود اصلاح الگوی مصرف. شما خوب روی محل نزاع دست گذاشتید. محل بحث همین است. که آیا مسائل مطرح در ادبیات انقلاب به صورت مبنایی اختلافی با مسائل هم‌ارز خود در ادبیات رایج دارند؟ یا نه اختلاف در تغییر شرایط بومی و رو بنای مطلب است؟ این مسئله مورد دقت ما بوده است.

یعنی ما باید از اول دوباره پرچم را افتراع کنیم؟

ببینید ما در مفاهیم بحث می‌کنیم نه در محصولات.

منظورم این است که ما باید بنشینیم الگویی بنویسیم، بالاخره ما و کشورهای دیگر راهی را رفته‌ایم. حالا ما می‌گوییم که ما در کشوری هستیم که انقلابی در آن شده است، ملت‌ش مسلمان‌ند، غرب‌ستیزند. پس الگویی که می‌فواهیم تهیه کنیم باید این گزاره‌ها را در آن اعمال کنیم و از این وضعی که هستیم یک پله جلوتر برویم. من فکر می‌کردم یک شباهت‌های زیادی احتمالاً با الگوهای توسعه دارد یا نسخه‌ای که برای اقتصاد می‌فواهیم بنویسیم همان نسخه‌ای که رایج به آن بحث شده است شباهت‌هایی با آن الگو دارد. اما مسلماً آن نیست و بر اساس شرایط فردمان و شرایط مردم‌مان است.

ببینید مانند فرق توسعه یافتگی ژاپن با فرق توسعه یافتگی فرانسه.

۲/۲/۲- تبیین موضع برگزارکنندگان نشست‌های پاسخ‌گویی به مسائل انقلاب، به صورت تفصیلی، واضح، مستدل و محکم، هر آنچه که هست

از جمله اکتفا به تغییرات روبنایی در الگوهای غربی و بومی‌سازی آنها و یا اعتقاد به اعمال تغییرات مبنایی، مرتفع‌کننده‌ی آسیب تبیین اجمالی بله، کشورها بر اساس شرایط مردم‌شان توسعه می‌یابند. ما می‌گوییم الگوی ما هم این اتفاق درش بیفتد. حالا ما اسمش را می‌گذاریم پیشرفت و این چیزی که شما می‌گویید احتمالاً ما خیلی از مفاهیمی را که توسعه تعریف کرده، قبول نداریم. شافص‌ها عوض می‌شود در واقع مدل کلاً عوض می‌شود.

ببینید فرض بحث ما کلاً پاسخ دادن به این است. اگر شما می‌خواهید بگویید پیشرفت اسلامی تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه است، تابع شرایط تاریخی ما و یا شرایط جغرافیایی و نیروی انسانی و... و هر شرایطی که مخصوص خود ما هست. اگر ما قرار است این را بگوییم باید محکم بگوییم. یعنی استدلال‌ها و ادله‌اش را بیاوریم، اثباتش کنیم. همین جا باید بایستیم و بحث را منقح کنیم. اگر هم قرار است خلافش را بگوییم باز باید محکم بایستیم و با ادله و اثبات مسئله را حل کنیم. این جا اگر به اجمال حرف بزنیم این یک آفت است. عرض ما این است و به نظر ما در همایش‌ها و نشست‌ها و کارگاه‌هایی که برگزار شد، به اجمال برگزار شد و این یک آفت است.



۲/۲/۳- قرار گیری سه دسته ی متمایزِ قائلین به تفاوت ماهوی توسعه و پیشرفت (دیدگاه تاسیسی)، وجود اشتراکات فراوان (دیدگاه تلفیقی)

و این همانی توسعه و پیشرفت (معتقد به مدرنیزاسیون) در کنار هم بدون شفاف سازی دیدگاه ها در این نشست ها، آسیب تبیین اجمالی رویکرد

همایش

لذا شما اگر گزارش یکی از این همایش‌های معروف یا بقیه‌ی همایش‌هایی که برگزار شده است، را بررسی کنید می‌بینید که چون اجمالی است، سه دسته جواب است. یک عده ای رفتند به همان سمتی که ما عرض کردیم و توسعه را واقعاً غیر از پیشرفت می‌دانند و این دو مفهوم را یکسان نمی‌پندارند. وارد بحث شدند و یک مفهوم دیگری را گفتند. یک عده‌ای هم نقاط اشتراک را زیاد دانستند. یک عده هم خودش دانستند. ما هر سه جریان را در کشور داریم. یعنی هم جریانی داریم که قائل به مدرنیزاسیون است، هم جریاناتی داریم که قائل به تلفیق است و هم جریاناتی داریم که قائل به تأسیس است. هر سه را در کشور داریم. ما می‌گوییم این مشکل علاج نخواهد شد. پاسخ درستی به سؤالات انقلاب داده نخواهد شد، مگر اینکه سؤال شفاف باشد. هر همایش باید تکلیف خودش را مشخص کند. مثلاً بگوید من دارم همایش می‌گذارم و منظورم از الگوی پیشرفت اسلامی تلفیقی است. یا این که نه، ماهیت شرایط بومی است. یا نه ماهیت تأسیسی دارد. این که به اجمال این‌ها را برگزار کنیم، این آفت همایش‌هاست.

۲/۲/۴- اعتقاد به تاسیسی بودن پیشرفت اسلامی به صورت شفاف و اعتقاد به خطرناک بودن دیدگاه یکسان پنداری آنها، نقطه ی آغاز و اصلی

شورای راهبردی در بحث با نخبگان

ما وقتی با نخبگان عزیز جلسه داریم از اینجا شروع می‌کنیم. اگر محل وفاق بود که این یک آفت است می‌توانیم وارد بحث نقشه راه شویم، که ما با توضیح دادن یک سری مفاهیم می‌توانیم به سمت یک طرف داستان استدلال برویم. که در اجمال گذاشتن سؤالات آفت است و حالا ما باید مفاهیم را وارد بحث شویم و یک طرفش را محکم کنیم و خیال همه را راحت کنیم که ما هرچه نشست در کشور با نخبگان برگزار کنیم، قائل به تأسیس هستیم. پیشرفت اسلامی را یکسان پنداشتن با توسعه‌ی غربی، چیز خطرناکی می‌دانیم.

ولی آن مسئله فارغ از طرح مسئله‌ای که ما کردیم و شاید برای اولین بار هم هست، (حالا هم البته مجموعه‌هایی بودند که اشاراتی کردند) این که این مسئله را مطرح کنند، عام است و همه به آن مبتلا هستند. مثلاً اگر فردا راجع به این قضیه، همایش‌هایی برگزار شد، شما می‌توانید در قالب مصاحبه این سوال را بگنجانید. یعنی بروید به سمت واکاوی که این برگزارکنندگان چه مد نظرشان بوده است؟ مسئله چیست؟

پرسش و پاسخ: امکان مغلوب شدن فطرت در مواجهه با فضای کفر و عدم امکان اثبات درستی یک گزاره با ارجاع به فطری بودن در این شرایط

من یک سوال مبتدایی پرسم. وقتی که شما می‌گویید ما کاملاً قائل به تاسیس هستیم، نقش فطرت در این میان چیست؟ این که بگوییم که پاسخ‌ها و یا الگوهایی که تاکنون به این سؤالات داده شده، این پاسخ‌ها را کاملاً می‌فواهیم کنار بگذاریم و الگوهای جدیدی را تأسیس کنیم، با قائل بودن به فطرت، بطور با هم قابل جمع است؟ اگر انسان‌ها برای پاسخ به این سؤالات به سراغ فطرتشان نرفتند، همه‌ی سؤالات پاسخ‌ها را غلط می‌پنداریم. فوب اینها نقش فطرت چگونه است؟

پاسخ بسیار روشن است. انسان هم فطرت دارد و هم هوای نفس دارد و در متون دینی جمع‌بندی این است که ممکن است هوای نفس فطرت را مغلوب کند. در معارف دینی این جزء مسلمات است که فطرت قلب می‌شود و از بین می‌رود. این که با مسائل

تخصیص تکنولوژی و مفاهیم غربی چطور باید در ایران برخورد شود بحث جدایی دارد. ولی اگر کسی بخواهد اعتراف کند که فطرت در دنیای بشر جاری است، مثلاً بگوید چیزی انسانی است، جوابش به لحاظ معارفی روشن است. فطرت این جور نیست که تغییر نکند، شما اگر او را در فضای کفر یا هواپرستی قرار دهید، اینجا دیگر فطرت قلب می‌شود و دیگر نمی‌شود با استناد به فطرت درستی یک گزاره را اثبات کرد.

**پرسش و پاسخ: تایید فرهنگ تولید شده ی بشری به میزان تاثیر گذاری فرهنگ انبیاء و وجود آثار آنها در میان جوامع**

به صورت کلی چه طور؟ یعنی اگر ما بگوییم همه ی انسان ها پاسخ همه ی سوالاتی برایشان در طول تاریخ طرح شده است همه غلط است و هیچ پاسخ صمیمی وجود ندارد، ما بایر از ابتدا تاسیس کنیم؟ چگونه امکان پذیر است؟

نه. معنی تاسیس را معلوم خواهیم کرد. راجع به این بحث هم جواب ما در اینجا روشن است. به میزانی که فرهنگ انبیا -ولو فرهنگ مسیحیت تحریف یافته- به همان میزانی که صحیح است و به همان نسبتی که بر فرهنگ بشریت تاثیر گذاشته، به همان میزان صحیح است. اگر ما تشخیص دادیم که آنجا ردپایی از فرهنگ انبیا هست، آن جا را می‌توانیم امضا کنیم و منحلش می‌کنیم در یک حرف برتری که این بحث دیگری است.

### ۳- ملاحظه ی نتیجه ی به کارگیری الگوی توسعه ی غربی در پی بررسی وضعیت کشورهای توسعه یافته

#### G8 به صورت عینی و ملموس

این سوالات مبنایی و مفهومی در بحث ما راه‌گشا نیست. اتفاقاً من سوال م بر عکس است. من می‌گویم شما یا جریان مخالفی که می‌گویید تاسیسی نیست، از کجا معلوم که ما برنامه‌ی توسعه کشور را مبنا قرار دادیم، ده سال ده برنامه را رفتیم و فردا نشویم مثل فاصله‌ی طبقاتی که در آمریکا شده است؟ آن‌ها باید تضمین دهند. بالاخره توسعه کشورهای G8 را به عنوان عینیت خودش الان پیش روی بشریت گذاشته است.

#### ۳/۱- وجود مشکلات معنوی، فقدان عدالت، فروپاشی نهاد خانواده و ...، نتیجه بررسی شاخص های کشورهای توسعه یافته بر اساس فرهنگ اسلامی و عدم تضمین تکرار نشدن این شاخص ها در صورت به کارگیری همان الگو

این‌ها بالاخره کشورهای توسعه یافته‌ای هستند. این‌ها در شاخص خانواده‌شان دچار مشکل‌ند. در شاخص عدالت دچار مشکل‌ند. این‌ها در مسائل معنوی دچار مشکل‌ند. ما عرض‌مان این است که اگر این برنامه‌های توسعه را پیاده کردیم، چه ضمانتی وجود دارد با این پیشرفت‌هایی که به لحاظ فرهنگ و عقیده‌ی ما، آن‌ها قطعاً دچار مشکل هستند. شما از کجا ضمانت می‌دهید ما برنامه‌ی توسعه را پیاده کنیم و این شاخص‌ها در کشور ما منفی نشود؟ اتفاقاً آن‌ها باید جواب این سوال را بدهند که توسعه‌یافتگی قدر مطلق‌های شاخص‌های پذیرفته‌ی ما را قطعاً له خواهد کرد و از بین نخواهد برد. آن‌ها باید تضمین بدهند. دست ما دست برتر است.

می‌خواهم بگویم وقتی شاخص را عوض می‌کنیم، مدل هم قطعاً عوض می‌شود. تجربه‌ی بشریت هم اینجا معنی ندارد. حتی اگر این مدل را در ششصد سال قبل اجرا کنید با این خیلی فرق می‌کند. ششصد سال دیگر هم اگر بخواهید با این مدل پیشرفت ممکن است با این خیلی متفاوت باشد. چون منظرهایی که در دوره‌های تاریخی یا تمدنی موثر است را می‌توانید دست‌کاری کنید. این‌ها به خاطر تغییرات تمدنی است که ما داریم. مثلاً اگر می‌خواستند در دوره صفویه همچین چیزی را در بیاورند ممکن بود چیز خوبی هم باشد. لزوماً هرچه تا الآن در تاریخ اتفاق افتاده، اتفاق بدی نیست. ولی خوب ما نمی‌توانیم آن مدل را با مدلی که الان می‌خواهیم اجرا کنیم، مقایسه‌اش کنیم.

دست‌اندرکاران این همایش‌های سی ساله، باید بگویند به چه سوالی پاسخ دادند؟ آیا همان سوالات رایج بود که من دو تا از مثال‌هایش را عرض کردم. مثلاً زمان و مکان همان تراحم بود؟ الگوی پیشرفت اسلامی همان توسعه بود؟ شما همایش گذاشتید و همان‌ها را جواب دادید.

## ۴- لزوم انتخاب مبنای اداره‌ی جامعه بر مبنای دین یا دین‌داران در جهت تفصیل ایده‌ی اداره‌ی جامعه بر مبنای

### دین

اگر جواب دادید پس بیاید تکلیف شعار اصلی‌مان که گفتیم اداره جامعه بر مبنای دین است، را هم روشن کنیم. بگویید اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، همان اداره‌ی جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین. این را حل کنید. بالاخره یکی باید اصلاح شود. یا اداره جامعه بر اساس دین که دیدگاه محوری است باید اصلاح شود و بشود اداره جامعه توسط دینداران.

## ۴/۱- انتخاب یکی از راه‌های موجود در دنیا توسط دینداران، خواه مرتبط با دین یا بی‌ارتباط با آن، در صورت مبنا

### قرار گرفتن دینداران در اداره‌ی جامعه

آن وقت حرف درست است، ممکن است دیندار یکی از راه‌های مرسوم را بپذیرد. و الزاماً بین راه‌حلی که دین‌دار ارائه می‌دهد و دین، ممکن است ارتباط منطقی نباشد و اصلاً ممکن است، ارتباطی نباشد. من نمازم را می‌خوانم، دین‌دار محسوب می‌شوم، ولی از راه‌حلی که موجود عقلای عالم یکی را می‌پذیرم و جلو می‌روم.

## ۴/۲- لزوم استفاده از دینداران در صورت مبنا قرار گرفتن دین در اداره‌ی جامعه

پس یا باید این ایده‌ی محوری‌تان را اصلاح کنید و یا اگر دیدید که این ایده‌ی محوری درست است با این بیان که جامعه اسلامی باید دینی اداره شود، و البته حتماً برای اینکه بخواهد دینی اداره شود باید دین‌داران در رأس کار باشند. این را ما در درون این تئوری داریم. آن وقت باید جواب بدهد که در این سی سال، همایش، مقاله، کارگاه، دوره‌ی دکترا و .. هرچه که کار کردید، چه پاسخی به این سوال داده شده و این سوال اصلاً چه بوده است؟ این را ما باید حل کنیم.





## ۵- تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی، راه حل ارائه شده توسط شورای الگوی پیشرفت برای جلوگیری از

## آسیب‌های نامبرده در همایش‌های مربوط به پاسخ به مسائل انقلاب اسلامی و به عنوان یک الزام برای همه‌ی

### همایش‌های از این دست

طبق بررسی‌های ما، عمدتاً سوال جمهوری اسلامی منحل می‌شود در سوالات رایج که مثال‌هایش را عرض کردیم. خوب ما باید روی آسیب‌شناسی بحث کنیم. خوب اگر کسی سوال کرد و گفت به قول آخوندها سلمنا! تو درست می‌گویی. این تا به حال آفتی بوده، حالا چطور باید علاجش کرد؟ ما در نقشه راهمان جواب روشنی به این آفت یا به این مشکلی که هر برگزار کننده‌ای که در جمهوری اسلامی می‌خواهد همایش برگزار کند با آن رو بروست، دادیم. جواب این است، که باید جهت حرکت جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی تبیین شود. یعنی از جمله الزامات همه‌ی همایش‌ها، تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی است.

## ۵/۱- امکان تبیین صحیح جزئیات ساختارهای اجتماعی در صورت تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی و ایجاد آفت

### انحلال مسائل انقلاب در مسائل قبلی در صورت عدم تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی

اگر این جهت را تبیین کردیم، بعد می‌توانیم سوالاتی که در کثرت و ساختارهای جامعه هست را تبیین کنیم. ولی اگر جهت تبیین نشد، این آفت ادامه پیدا خواهد کرد و ما به این سمت می‌رویم که سوالات همان سوالات قبلی خواهند بود. پس جواب ما تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

## ۵/۲- تعریف جهت در سه کلمه‌ی مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت در نقشه راه پیشرفت

حالا جهت چیست؟ ما جهت را اجمالاً در سه کلمه معنا کردیم. یعنی اگر این سه کلمه مورد بحث قرار گیرد و واضح شود، بعد ما می‌توانیم وارد بحث شویم. جهت از منظر این جدول پیشرفتی که ما تنظیم کردیم یعنی، تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت، که هر سه تا را توضیح می‌دهم.

### ۵/۲/۱- خارج کردن مفهوم جهت حرکت از اجمال به تفصیل در نقشه راه به کمک سه عبارت مبنای مراحل و موضوع انتقال حرکت

یعنی این کلمه اجمالی که معمولاً همه صحبت می‌کنند و در اخبار هم هست که می‌گویند باید جهت حرکت تعیین شود، ما در نقشه راه در سه کلمه تبیین کردیم و از اجمال بیرون آوردیم. یعنی وقتی ما کلمه جهت را استخدام می‌کنیم، این کلمه اسم است برای سه مفهوم یا سه اصطلاح: مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت.



۵/۲/۲- مبنا به معنای ایده‌ی قابل ترجمه برای همه‌ی بخش‌ها در همه‌ی زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط برای ارزیابی فعالیت‌ها

ما باید به این سمت برویم که مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ وقتی می‌خواهیم جهت حرکت را توضیح دهیم، یک سوم جواب این است که بگوییم مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنا یعنی چه؟ مبنا یعنی آن ایده‌ای که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و در همه‌ی شرایط، همه‌ی کارها با آن ارزیابی می‌شود. مبنا یعنی آن مفهومی که برای بخش‌ها قابل ترجمه است.

۵/۲/۲/۱- تحقق شاخص‌های هویت اسلامی، مبنای حرکت جمهوری اسلامی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و قابل ترجمه برای همه‌ی ساختارهای اجتماعی

حالا مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنای حرکت جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. این در هر شرایط زمانی که ما قرار گرفتیم تغییر نمی‌کند. این ایده محوری تغییر نمی‌کند. در هر بخش یا مکان و یا کثرت و ساختاری که قرار گرفتیم، باید نسبت‌مان را با این تمام کنیم. بعد مبنای‌مان را با آن کثرت یا ساختار ترجمه کنیم.

پس یک آفت گفتیم، گفتیم سوال جمهوری اسلامی در همایش‌ها تبیین نمی‌شود، برای مقابله با این گفتیم باید جهت جمهوری اسلامی را تبیین کرد.

۵/۲/۲/۱/۱- توضیح مبنا به کمک سه کلمه‌ی ابلاغ، تحقق و شاخص‌های هویت اسلامی

مبنا را در سه کلمه توضیح می‌دهیم. یکی کلمه‌ی تحقق که اصل هست

۵/۲/۲/۱/۱/۱- فعالیت علمی در حد استنباط و فعالیت عملی در حد ابلاغ و نپرداختن به برنامه ریزی برای تحقق اهداف، ویژگی دیدگاه اسلام سنتی و مرزبندی

اسلام ناب با این جریان در اعتقاد به تحقق و برنامه ریزی

با کلمه تحقق با اسلام سنتی مرزبندی می‌کنیم. اسلام سنتی خودش را در استنباط و ابلاغ خلاصه می‌دارد. یعنی فعالیت علمی‌اش می‌رود به سمت استنباط و فعالیت عینی‌اش در حد ابلاغ است. هیچ‌وقت برنامه‌ریزی برای تحقق را مبنای کار خودش قرار نمی‌دهد.

۵/۲/۲/۱/۱/۲- اصل قرار دادن تحقق احکام اسلام، دیدگاه اسلام ناب به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی

شما می‌بینید که اسلام ناب که مبنای حرکت جمهوری اسلامی است، اولش از تحقق شروع می‌شود و اصلاً بدنبال محقق کردن احکام و اسلام است.

۵/۲/۲/۱/۱/۳- تحقق مدرنیزاسیون، مبنای جریان روشنفکری و مرزبندی میان این جریان با جریان‌های اسلام ناب در عدم اعتقاد به تحقق هویت اسلامی و اشتراک

با جریان اسلام ناب در اعتقاد به تحقق و ساختار سازی برای رسیدن به اهداف

شاخص‌های هویت اسلامی را مرزبندی می‌کنیم با جریان روشنفکر، که آنها از اساس به دنبال هویت اسلامی نیستند. به دنبال هویت نو و مدرن هستند. ولی در یک چیزی اشتراک دارند؛ آنها هم به دنبال تحقق هستند. یعنی این‌طور نیست که یک روشنفکر که می‌خواهد در جمهوری اسلامی فعالیت کند مثل هر جای دنیا باشد. بخواهد یک چیزی را تبیین کند و بگوید مردم خودشان عمل کنند! نه، به دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی است.



پس ما مبنای حرکت جمهوری اسلامی را با دو مبنای معارض و رقیب خودش تبیین کردیم. اسلام سنتی که استنباط-ابلاغ مبنای کارش هست، معارف اسلامی را استنباط و ابلاغ می‌کند. و برنامه‌ریزی برای تحقق مبنای کارش نیست. جریان روشنفکری به دنبال هویت مدرن هست، ولی می‌خواهد محققش کند.

شما در جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی مبنای حرکت‌تان است. یعنی باید شاخص‌های هویت اسلامی را استنباط کنیم و بعد برنامه‌ریزی کنیم برای تحقق‌شان.

۱/۲/۱/۱/۲/۲-۵ وجود نحله‌های مختلف میان معتقدین به مبنای جمهوری اسلامی در مورد لزوم انطباق برنامه‌ها با اسلام و عدم نیاز این تطبیق و کفایت تحقق

شاخص‌های هویت اسلامی با هر برنامه‌ای

این جا بحث‌های زیادی مطرح است. عده‌ای می‌گویند که آیا باید برنامه‌های تحقق هم مبتنی بر اسلام باشد؟ یا باید بر عقلانیت صرف تکیه داشته باشد و شاخص را محقق کنید کفایت می‌کند و بالاخره نحله‌هایی به وجود آمده است.

پرسش و پاسخ: طرح بحث تدرج در اجرای احکام و تعمیم آن به تحقق تدریجی اهداف اسلامی در شرایطی که قابلیت اجرا وجود ندارد توسط

یک جریان و تقابل دیدگاه انقلاب با آن در اعتقاد به زمینه‌سازی بعضی احکام برای بعضی دیگر و طرح بحث تقدم در اجرای احکام و تعطیل

ناپذیری اجرای اهداف اسلامی به بهانه‌ی تدرج

وقتی ما ملاک را امکان اجرا می‌گذاریم، آیا این امکان وجود ندارد که بعد از مدتی امکان اسلام قلب شود؟ مثالش را هم بزنم. در بحث‌های فمینیستی گفت‌وگویی بود که یکی از فمینیست‌های دو آتشه داشت صحبت می‌کرد و گفت ما مایبور شدیم برای اینکه حرف‌مان را به جامعه ایران غالب کنیم سراغ این می‌رویم که مصلحت‌های امروز جامعه حکم می‌کند که مثلاً این حکم این‌گونه باشد. شاید چیزی شبیه به همان بحث زمان و مکان که شاید اگر تبیین درستی ازش نشود، اجازه می‌دهد که احکام به نسبت زمان‌ها و مکان‌ها و جامعه و نیازها عوض شود. یعنی آنجا که امکان تحقق ندارد، قلب شود. برای این شما چه راه کار و طریقی داشتید؟ حرف این است مصلحت‌های اجتماعی بپذیرد در اصل حکم تاثیر دارند؟ مثلاً شاید نشود در این شرایطی حکم سنگسار را اجرا کرد. شما حکم سنگسار را بر می‌دارید؟ و یا اینکه می‌گویید به خاطر تزامم، از این مسئله دست می‌کشیم. اما حکم همان است، فقط قابل اجرا نیست!

بحث تدرج در اجرای احکام که بحث سنگسار یکی از این مصادیق می‌شود، یکی از مسائل مطرح در مباحث فقهی است که به تحقق فکر می‌کند. یعنی اتفاقاً محل بحث جدی است. که اگر مبنای حرکت‌تان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بود و تحقق احکام بود. حالا اینکه تدرج در احکام اصل هست یا نه، یک بحثی است. مثلاً تنزیل قرآن، یا مثلاً بحث شراب، تنزیلش تدریجی بوده است. یعنی به تدریج حکم حرمت آمده است. ابتدا آمده، «و لا تقریبا الصلوه و انتم سکر» یعنی موقع نماز شراب نخورید. این در مراحل گفته شده که حالا شراب حرام است حتی خوردن یک قطره‌اش. من می‌خواهم به شفاف شدن سوال شما کمک کنم. حالا این جمعیت‌ها این سوال را مطرح می‌کنند، که اگر مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است، آیا مثلاً همان تدرج در تنزیل را می‌توانیم به تحقق هم تعمیم بدهیم؟ بگوییم که یک حکمی است که نمی‌شود محققش کرد. مادامی که نمی‌شود محققش کرد به معنای تعطیلی احکام نیست. معنایش این است که بعضی از احکام، زمینه‌ساز اجرای بعضی از احکام دیگر هستند. مثلاً اگر شما حکم جهاد را اجرا نکنید، حکم نفی سبیل را که جزء احکام مسلم اسلام است را اجرا نکنید، بعداً نماز هم به خطر می‌افتد. یعنی اگر این را خوب پردازش کنید، ممکن است در پیچه‌ای در فقه رو به روی شما باز شود که بعداً شما تقدم اجرای احکام را بر حکمی دیگر دارید. حالا این تقدم را نمی‌خواهیم انواعش را بحث کنیم.



پرسش و پاسخ: مسلم بودن تدرج در اجرای احکام و احتمال تاثیر معکوس اجرای حکم در صورت عدم زمینه سازی مناسب و لزوم تبیین دقیق و آکادمیک از تدرج برای جلوگیری از تصور نسخ کردن احکام به بهانه ی غیر قابل اجرا بودن

تدرج در اجرای احکام در عینیت مسلم است. یعنی گاهی اگر بخواهید حکمی را اجرا کنید، گاهی اثر معکوس می دهد. اصلاً نمی شود اجرائش کرد. مردم مخالفت می کنند و ممکن است به برخی از احکام پذیرفته شده ما هم سرایت کند. ولی اینکه «در استنباط این چه وضعیتی پیدا می کند؟» سوال خوبی است. که مثلاً آن سوالی که ما در حوزه تحول در فقه و تحول در حوزه داریم، یکی از مواردش همین است. ما از فقهای عظام شیعه سوال می کنیم که اگر شما پذیرفتید که اجرای احکام و تحقق شاخص های هویت اسلامی، وظیفه فقهاست، تدرج چه وضعیتی دارد؟ اجرا کنیم یا نه؟ بپذیریم یا نه؟ اگر هم قرار شد بپذیریم باید یک تبیین دقیق آکادمیک دانشگاهی از مسئله بشود. حالا اگر سوال این است که ما گفتیم، جزء مسائل است و نمی توانیم یک شبه اجرائش کنیم. و اینکه اجرائش نمی کنیم، معنایش این نیست که می خواهیم حکم را قلب کنیم. بگوییم این حکم در شرایط زمانی و مکانی امروز دیگر نسخ شده است. به قول آن آقای که در مقاله اش گفت باید یک سری احکام جدید نسخ شود. ما مرادمان این نیست. می گوییم باید برای اجرائش زمینه سازی کنیم. همین یک کلمه نیست که بگوییم تحقق شاخص های هویت اسلامی.

پرسش و پاسخ: لزوم پردازش و استخراج قواعد فقهی و اصولی جدید و تامین الزامات تحقق شاخصه های هویت اسلامی با اعتقاد به تاثیر این الزامات در استنباط احکام اسلامی

به نظر ما پردازش صحیح یک کلمه منجر می شود که در تفقه تحول ایجاد شود. یعنی حتماً یک سری قواعد فقهی و اصولی جدیدی نیاز است اگر شما بخواهید مسئله تحقق شاخص های هویت اسلامی را مبنای حرکت جامعه اسلامی قرار دهید. بگوییم جامعه اسلامی با همه اهدافش یک هدف مرکزی دارد، می خواهد شاخص های هویت اسلامی را محقق کند. حالا الزامات تحقق در استنباط تاثیر دارد یا ندارد، به قول و نظر صحیح تاثیر دارد و به نظر ما این جور است. ولی ما نمی خواهیم وارد این این قلت های آقایان شویم. این محل بحث جدی است. یعنی به نظرم دعوای جدی در حوزه پیدا می کند و مخالفینی پیدا می کند. گرچه موافقین استخوان داری هم این بحث پیدا خواهد کرد.

خلاصه ی مطالب: تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای جمهوری اسلامی، استنباط و ابلاغ مبنای جریان فهم سنتی و تحقق شاخص های هویت مدرن و اعتقاد به اصلاح قرائت دینی مبنای جریان روشنفکری و مبنا قرار گرفتن الگوی توسعه در برهه ای از حیات جمهوری اسلامی و قرار گرفتن مبنای جمهوری اسلامی در سایه ی توسعه

بنابراین مبنای حرکت جمهوری اسلامی معلوم شد، تحقق شاخص های هویت اسلامی. دو مبنای رقیب هم معلوم شد. یک مبنای می گوید من تا ابلاغ بیشتر نمی آیم. و همین وظیفه را دارم که استنباط کنم و ابلاغ کنم. این مبنای را وقتی بررسی می کنیم می بینیم در ابلاغ متوقف شده است. مبنای دیگر می گوید شاخص های هویت مدرن اصل هست. آن وقت آن مبنای می گوید اصلاح قرائت دینی. یعنی اگر روشنفکران اگر بخواهند مدرنیته را اصل قرار دهند، قطعاً احکام اسلامی با شاخص های هویت مدرن در تعارض است. اگر برایشان تحقق شاخص های توسعه یافتگی اصل است، حتماً حرف اصلاح قرائت دینی حرف درستی است. پس این مبنای حرکت است، که ما مشاهده می کنیم. نه فقط در همایش ها و کارگاه ها، در طول حیات جمهوری اسلامی مدیرانی بودند که نزدیک به این



مبانی رفتار می کردند. در بعضی دوره‌ها واقعا مبنای‌شان ایجاد توسعه بوده است. حالا بنا به شرایطشان یا بخشی و یا همه جانبه. اصلاً مبنای حرکت در جمهوری اسلامی را در سایه توسعه می‌دانستند. پس با گذشت از نسل‌های مختلف ما مبنای‌مان را تبیین کردیم؛ تحقق شاخص‌های هویت اسلامی.

### ۵/۲/۳- تبیین مراحل تحقق مبنا به تقریر امام خامنه‌ای در پنج مرحله

حالا گام دوم؛ این مبنا در چند مرحله محقق می‌شود؟ چون شما می‌خواهید یک حرفی را محقق کنید، باید صحبت از مراحل تحقق هم به میان بیاید. چون تحقق امری تدریجی است. تحقق امری را در بشر کن‌فیکون نمی‌کند. حتماً باید مقدمات و کارهای فکری لازم را انجام داد. حالا سوال اصلی ما این است که شاخص‌های هویت اسلامی در چند مرحله محقق می‌شود؟ آیت‌الله خامنه‌ای که به عنوان یک فقیه پرچم‌دار در این مسئله فکر کردند، ایشان می‌فرمایند مبنای جمهوری اسلامی، یعنی اداره جامعه بر مبنای دین در پنج مرحله محقق می‌شود. و این پنج مرحله را تبیین هم کردند.

#### ۵/۲/۳/۱- مرحله‌ی انقلاب اسلامی، محقق شده در سال ۵۷ به منظور گرفتن اختیارات برای تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی

ایشان می‌فرمایند گام اول، گرفتن اختیارات است. یعنی اگر می‌خواهید شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنید، باید اختیارات را به دست معتقدین به این برنامه بدهید. خوب ما این مرحله را گذراندیم. انقلاب سیاسی اسلامی در سال ۵۷ یعنی سلب اختیار از غیرمعتقدین به مبانی جمهوری اسلامی و دادن به معتقدین که این گذشت.

#### ۵/۲/۳/۲- مرحله‌ی گزرانده شده‌ی نظام اسلامی با هدف تثبیت هویت اجتماعی و با تدوین قانون اساسی و لزوم مشارکت عمومی در تحقق اهداف اسلامی (جمهوریت)

و تقید نظام به اسلام (اسلامیت)

مرحله دوم تعریف هویت اجتماعی شماس است که به شما قدرت می‌دهد تا بتوانید در ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی حضور پیدا کنید. یعنی باید اصول حرکت‌تان برای تحقق مبنا را تعریف کنید. باز به نظر آیت‌الله خامنه‌ای ما این مرحله را گذراندیم. ما اصول اساسی‌مان را، خصوصاً در مقدمه قانون اساسی و در تعیین نوع نظام تثبیت کردیم. یعنی گفتیم شاخص‌های هویت اسلامی بدون حضور مردم محقق نمی‌شود. چون وقتی می‌خواهیم محققش کنیم یعنی می‌خواهیم مردم محققش کنند. پس جمهوری را در نوع نظام آوردیم و این جمهوری یا حضور و مشارکت مردم یک قید «برای» دارد و آن «برای اسلام» است. پس چه در مقدمه‌ی قانون اساسی و چه در تعیین نوع نظام، ما اصول نظام‌مان را تعریف کردیم. الان مصری‌ها و بعضی کشورها که انقلاب کردند، هنوز در این مرحله هستند و هنوز از حرکت‌شان و از اصول حرکت‌شان تعریف ارائه ندادند. ولی ما از این مرحله عبور کردیم که آیت‌الله خامنه‌ای از این مرحله با نام مرحله نظام اسلامی یاد می‌کنند. جمهوریت برای اسلام، جمهوری برای اسلام، مشارکت برای اسلام. اینجا در بخشی از اصول قانون اساسی این تبیین می‌شود که یعنی چه؟ حتی آن قدر مسئله برای‌مان روشن و تبیین شده است که مثلاً آنجا که گفتیم تظاهرات و تجمع آزاد است، گفتیم به شرط ادب و عفت و اسلام. این مسلم و پذیرفته شده بوده است. یعنی شما از زمان صفوی که آمدید این طرف، در این سیصد-چهارصد سال مردم به پذیرش رسیدند که هویت اسلامی باید برای‌شان اصل باشد. یعنی اسلام را پذیرفتند. خوب این مرحله را هم ما عبور کردیم. پس مرحله نظام اسلامی یعنی مرحله اصول اصلی حرکت و بعد تحقق آن مبنا.



۳/۳/۵- مرحله ی فعلی، دولت اسلامی به معنای مرحله ی توانمند سازی ساختارها برای تحقق شاخص های هویت اسلامی و تعریف سازوکارهایی برای اندازه

گیری تحقق شاخص ها

مرحله سوم از نظر آیت الله خامنه‌ای، دستیابی به دولت اسلامی است. دولت اسلامی را اگر اجازه دهید با یک مثال توضیح دهم. ما دولت اسلامی را تعریف کردیم به توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی شاخص‌های هویت اسلامی. به عنوان مثال؛ ما در سال ۸۴ رفت و آمدی داشتیم در بعضی از این ساختارهای نظام از جمله مرکز آمار ایران. در یکی از جلسات یکی از کارشناسان یک سوالی از بنده پرسید که خیلی برایم توقف ایجاد کرد و خیلی مفید است تبیین این سوال. ایشان گفتند وظیفه‌ی دولت اداره است و ما هم سازمان همین دولت هستیم. و گفت من که کارشناس همین دولت هستم نمی‌دانم (نگفت نمی‌خواهم، گفت نمی‌دانم) چگونه ارتقای عدالت را محاسبه کنم؟ گفت اگر به من بگویید ارزش افزوده را محاسبه کن، من به شما می‌گویم حتی این ماه چقدر ارتقا پیدا کرده است؛ ولی شما به من نگفتید عدالت چگونه محاسبه می‌شود؟ ببینید می‌خواهد این کار را بکند، ولی توانش را ندارد. پس توانمندسازی ساختارهای دولت اسلامی یعنی همین چیزی که عرض کردم. یعنی شما بتوانید تئوری‌هایی تولید کنید، سازوکارهایی پیشنهاد بدهید، که آن شاخص‌های هویت اسلامی‌تان علاوه بر تعریف شدن قابل محاسبه هم باشد. قابل برنامه‌ریزی هم باشد.

۱/۳/۳/۵- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، ابزار توانمند سازی ساختارهای نظام به منظور تحقق شاخص های هویت اسلامی

خوب این مرحله سوم است که ما در این مرحله هستیم، که در واقع نقشه راه ما روش توانمندسازی ساختارها را برای تحقق مبنایان به شما می‌گوید.

۲/۳/۳/۵- رسیدن به قدرت برنامه ریزی در ساختارها بر مبنای تحقق شاخص های هویت اسلامی به میزان موفقیت در طی این مرحله

اگر ما بتوانیم این مرحله را با موفقیت به سرانجام برسانیم، به این معناست که ساختارهای ما قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنا را برای شاخص‌های هویت اسلامی داریم. این یعنی مبنای ما دارد محقق می‌شود و به هر میزانی که محقق شد جامعه شما اسلامی شده است و از این مرحله که می‌گویید شما دیگر از این دغدغه عبور کردید.

۴/۳/۳/۵- نیل به مرحله ی جامعه ی اسلامی، در نتیجه ی توجه نخبگان به تفاوت پیشرفت اسلامی و توسعه ی غربی و کسب توانایی برنامه ریزی بر اساس مبنا و

تحقق احکام اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای یک فرمایشی دارند که می‌فرمایند متأسفانه ذهن نخبگان ما پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را یکی حساب می‌کند، که باید برای این یک فکری کرد. یعنی شما از دغدغه عبور کردید، ساختارهایتان نه تنها فهمیدند فرق پیشرفت و توسعه چیست، توان برنامه‌ریزی را هم پیدا کردند. حالا شما یک جامعه اسلامی شدید. یعنی احکام اسلامی اجرا شده، معارف اسلامی تحقق پیدا کرده، به نسبتی که شما فهم پیدا کردید و برنامه‌ریزی کردید.

۵/۳/۳/۵- مرحله ی تمدن اسلامی، مقارن با انتشار الگوی جامعه ی اسلامی در دنیا

لذا الگوی شما تلالو پیدا می‌کند و در دنیا تکثیر می‌شود. اسم آن مرحله را می‌گذاریم، مرحله امت اسلامی و مرحله تمدن اسلامی.



خلاصه ی مطالب: شفاف سازی مسئله ی انقلاب و رفع آسیب ها در صورت تبیین جهت جمهوری اسلامی متشکل از سه مفهوم مبنا، مراحل تحقق

مبنا و موضوع انتقال مبنا

خواستیم بگوییم سوالات جمهوری اسلامی چگونه شفاف می شود، گفتیم بدون تبیین جهت جمهوری اسلامی امکان ندارد. جهت جمهوری اسلامی را هم در سه کلمه خواستیم توضیح دهیم، مبنای حرکت جمهوری اسلامی، مراحل حرکت جمهوری اسلامی و سومی موضوع انتقال است که اگر حوصله می کنید این را هم توضیح دهم. این مبنا، مراحل و موضوع را که توضیح دهیم، جهت را توضیح دادیم و بعد باید بتوانیم با این جهت هر سوالی را تبیین کنیم.

الان وضعیت ما در نظام اسلامی چگونه است؟

الان ما در مرحله دولت اسلامی هستیم. یعنی ساختارهایمان مع الاسف توان کافی برای برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی ندارند.

این یک زمان بندی تاریخی دارد؟

بله. ما یک تخمینی دادیم. برای دولت اسلامی شصت سال تخمین زدیم که بیست سال از آن را طی کرده ایم.

برای مرحله نظام اسلامی چطور؟

آن را ما عبور کردیم.

چه زمانی؟ حدوداً چه زمانی را باید مبنا بگیریم؟

از آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای آغاز مرحله دولت اسلامی است.

یعنی سال ۶۸؟

یعنی اتمام مدیریت امام، نظام اسلامی تثبیت شد. همین که می بینیم سازمان ملل ما را محق دانست و صدام را مقصر دانست یعنی شما تثبیت شدید.

۶۰ سال برای دولت اسلامی وقت هست؟

بله. اما خوش بینانه، یعنی با کار بسیجی.

۱/۱/۳/۲/۵-مقدمات وقوع مرحله ی انقلاب اسلامی سال ۵۷ از حدود ۲۰۰ سال قبل از آن با آغاز مبارزه ی میرزای شیرازی و نهضت مشروطه و ...

ابتدای این را کجا می گیرید؟ ابتدای انقلاب اسلامی را؟

مرحله انقلاب اسلامی، یک انقلاب اسلامی در سال ۵۷ است که معلوم است؛ از ۴۲ تا ۵۷ ولی یک مقدمات دارد به نظر ما از میرزای شیرازی شروع می شود که با روس ها درگیر می شود و شاید دویست سال مبارزه فقها بود، که نقطه درخشانش اینجاست. ولی آن

بحث میرزای شیرازی که من گفتم برای این که قبلش بود. وگرنه شما کار مشروطه را همین جا باید ببینید، کار آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله مدرس. این‌ها نقاط بارزش است.

۱/۱/۱/۳/۲-۵ جمع آوری شناسنامه‌ی تاریخی دویست ساله برای فقهای پرچمدار مبارزه با مدرنیته و استعمار در مناطق جغرافیایی مختلف جهان اسلام در اثبات بطلان نظریه‌ی شاذ بودن رویکرد و نظریات امام خمینی (ره)

یک کتابی اخوی من نوشتند که هفت جلد است و یک جلدش بیرون آمده به نام «چلچراغ‌های تابوت‌شکن» که تکمیل کننده همین نقشه راه است. طرحی است، طرح شناسنامه‌های تاریخی دویست سال فقهای پرچمدار که با مدرنیته و استعمار درافتادند. این طرح‌ها را ما منطقه‌ای برمی‌داریم. مثلاً در بروجرد ما علمای مبارز را شناسایی کردیم. البته قبل از انقلاب. مثلاً میرزا محمود که با ناصرالدین‌شاه مبارزه می‌کرد؛ دویست سال مبارزه و هویت بود که ما به اینجا رسیدیم. حالا بحثی است که اگر ایشان کتابش چاپ شود. البته کتاب ایشان مربوط به فقهای کل جهان اسلام است. یعنی ۲۰۰ سال بعد مثل میرزا رضا و سید جمال و ... را نیاوریم ما. فقهای صاحب فتوا که این‌ها می‌گویند امام نادر بود، اینجور نبوده است. واقعاً ۲۰۰ سال مبارزه بوده امام جمع‌بندی کامل ارائه دادند از مبارزه. پس این مرحله دولت اسلامی هم گذشت.

۴/۲/۵- موضوع انتقال به معنای اولویت لازم الاجرا در هر مرحله برای گذراندن آن مرحله

یک بحث داریم به اسم موضوعات انتقال. موضوعات انتقال به بیان ساده یعنی اینکه اولویت‌های هر مرحله را شما شناسایی کنید، که اگر اولویت‌ها را رعایت نکنید از یک مرحله به مرحله بعد انتقال پیدا نمی‌کند. لذا ما اسمش را گذاشتیم موضوعات انتقال یا موضوع انتقال.

۱/۴/۲/۵- واحد بودن موضوع انتقال در هر مرحله برای انتقال به مرحله بعد و توقف در صورت نپرداختن به آن

لذا موضوع انتقال همیشه و در هر مرحله به مرحله بعد یکی است. یعنی شما یک اولویت اصلی دارید که اگر آن را رعایت کردید انتقال پیدا می‌کنید به مرحله بعد، اگر رعایتش نکنید انتقال تان دچار توقف و عقبگرد می‌شوید در مرحله بعد.

۲/۴/۲/۵- موضوع انتقال به عنوان رکن سوم جهت اما مهمترین رکن در مدیریت فرآیند انتقال

پس بنابراین موضوع انتقال گرچه رکن سوم جهت است، ولی مهمترین بخش جهت است برای این که ما بتوانیم فرآیند انتقال مان را مدیریت کنیم.

۱/۲/۴/۲/۵- عدم توانایی ایفای نقش در فرآیند انتقال در صورت درک نشدن مسئله‌ی موضوع انتقال، با وجود درک مبنا و مراحل تحقق مبنا و بسیج نیروها در جهت موضوعی با تحقق دشوار در شرایط موجود آن مرحله بدون در نظر گرفتن اصل تدرج

من مثالی می‌زنم که واضح می‌شود، یعنی اگر کسی موضوع انتقال را نفهمد، توجه نکند، نمی‌تواند در فرآیند انتقال نقش ایفا کند، ولو اینکه مبنا و مراحل را متوجه بشود. اولویت‌های این مرحله را متوجه نشود، گاهی وقت‌ها به اسم تحقق اسلام مانع تحقق اسلام می‌شود، چون وقتی شما سخن از اولویت می‌کنید، معنایش این است شما مرحله چهارم ایران اسلامی است یعنی تدرجی که بحث می‌کردیم دیگر. شما می‌گویید آقا شخصیت هویت اسلامی صدسال تحققش طول می‌کشد، آنوقت یک حکمی اگر شما همین موضوع





انتقال را نفهمید، ما متوجه نکنیم، که بعضی آدم متوجه می‌شود که در تحلیل کلان متوجه این مسئله نیستند، در واقع ظرفیت اجتماعی را بسیج می‌کند برای امری که الان تحققش مشکل است. این مسئله مهمی است موضوع انتقال.

۵/۲/۴/۳- تبیین تئوری ولایت فقیه، موضوع انتقال از مرحله ی انقلاب اسلامی به مرحله ی نظام اسلامی

با بیان تمثیلی توضیح می‌دهم مسئله انتقال را. آقا ما مرحله اول حرکتان انقلاب سیاسی سال ۵۷ بود دیگر، مرحله بعدش هم مرحله نظام اسلامی بوده، خب موضوع انتقال از این مرحله به این مرحله چیست؟ یعنی بالاخره ما الان نظام اسلامی را مستقر داریم، نظام جمهوری اسلامی مستقر است، بلکه عمق استراتژیک هم پیدا کرده. با این جریان بیداری اسلامی و اجلاس عدم تعهد، تا خود مستضعفین عالم عمق استراتژیک دارید، ولی هیچکس در جمهوری اسلامی قائل به این نیست که ما توانستیم شاخصه‌های هویت اسلامی را به تمامه محقق کرده‌ایم. کسی چنین ادعایی ندارد. ما سوال مان این است که این استقرار نظام، که استقرار نظام به معنای تحقق تام مبنا نیست، چه اولویت‌هایی رعایت شده تا این مستقر شده است؟ می‌خواهم بگویم همان موقع یک عده از آقایان بودند که می‌گفتند فلان حکم اجرا بشود، ولی امام نرفتند به سمت اجرای فلان حکم خاص، یک اولویت‌های خاصی را مبنا قرار دادند تا نظام مستقر شود، چون امام درکشان این بوده که اجرای آن حکم و بقیه احکام بدون استقرار نظام امکان ندارد. حالا ما می‌گوییم که این اولویت‌ها چه بوده؟ که می‌خواهیم بازخوانی بکنیم. من دیدم اوضاع امروز ما یک عده‌ای می‌آیند استناد می‌دهند به صحیفه امام، ما با توضیح این بحث اثبات می‌کنیم شرایط امروز، اگر می‌خواهید تبیین مبنا کنید می‌توانید استناد بدهید به صحیفه امام، چون مبنا در تمام مراحل حاکم است، اگر حتی می‌خواهید مراحل را توضیح بدهید، باز امام حتما مرحله‌بندی داشته‌اند، یک مرحله‌بندی سه تایی در حرفهای امام به نقل، من در فیش‌ش هم در صحیفه نور پیدا نکردم، اما اگر، حالا با این بحث موضوع انتقال راجع به موضوع انتقال فعلی بخواهیم استناد بکنیم، اصلا امام درگیرش نبوده که بخواهد پردازشش کند و بحث کند. و اینجا فقط اختصاص دارد به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، ببینید حتی در طبقه‌بندی ادبیات انقلاب هم به ما کمک می‌کند موضوع انتقال. حالا من خیلی خلاصه در چند دقیقه توضیح بدهم که مسئله حل بشود. سال ۱۳۵۷ انقلاب که واقع شد چند ماه بعدش خروجی انقلاب نشد جمهوری دموکراتیک اسلامی یا جمهوری ایران یا هر خواسته دیگری که دیگران می‌گفتند. علتش یک مسئله بود. اولییتی که امام همیشه رعایت می‌کرد، تبیین حکم اسلام حکومت دارد، امام از ۴۲ تا ۵۷ با اولویت این را تبیین کرده، اولویت اصلیش این بوده است. لذا شما وقتی می‌بینید که نخست‌وزیر وقت به امام پیشنهاد می‌دهد که امام در انتخابات شرکت کنند، امام راحل در پاریس می‌فرماید اسلام خودش حکومت دارد. یا در سال ۴۸ درس خارج ولایت فقیه راه می‌اندازند در عراق. موضوع انتقال یعنی همان اولویت اصلی که باعث انتقال ما می‌شد از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله تاسیس جمهوری اسلامی، تبیین تئوری اسلام خودش حکومت دارد یا تئوری ولایت فقیه بود. اگر امام به غیر از این مسئله را می‌ایستادند، یعنی مسئله اصلی‌شان می‌شد یک مسئله دیگر، این انتقال واقع نمی‌شد. در مرحله‌ای که مردم می‌خواستند بیایند رای بدهند و قانون اساسی بنویسید، حتما شما مشروح مذاکرات قانون اساسی را دیده‌اید، از جمله بحث‌های جدی که حتی بعضی از آقایان روحانی داخل مجلس فهمش نکرده بودند، همین مسئله‌ی ولایت فقیه بود. لذا به نفعش هم وارد میدان نمی‌شوند. من خاطره‌ای اینجا نقل می‌کنم که خوب است برای تبیین موضوع. مرحوم آیت الله سید منیرالدین حسینی‌الهاسمی از شیراز کاندیدا بود در خبرگان قانون اساسی. ایشان می‌گویند که بحث در گرفت در مجلس خبرگان روی موضوع اصل ولایت فقیه. ایشان می‌گویند که من ارزیابی‌ام این بود که اصلاً بحث جا نیافتاده است. لذا خیلی فضا به نفع روشن‌فکرها بود. آیت الله بهشتی تجدید وضو کرده بودند و داشتند بر می‌گشتند. بعد من رفتم خدمت ایشان به ایشان گفتم که ما برای چه این انقلاب و این حرکت را انجام داده‌ایم؟ بعد ایشان می‌گویند برای اسلام بوده. با ایشان صحبت کردیم که ایشان در دستور

کار ۴۰ روز بررسی اصل مربوط به ولایت فقیه عقب انداختند. بعد ایشان می‌گویند که من در این ۴۰ روز، از نماز صبح تا شب از آقایان یکی یکی وقت می‌گرفتم و مسئله را تبیین می‌کردم، که اگر مسئله ولایت فقیه را برنگردانیم به ولایت امر و به ولایت معصومین، برگردانیم به رای مردم چه اتفاقاتی می‌افتد. یعنی یک چنین فعالیت‌هایی در مجلس خبرگان شهید بهشتی و مرحوم آقای سید منیر و دیگران انجام دادند، که توانستند این را به پذیرش برسانند. حتی از امام که شروع کردند تا آن موقع برای بعضی‌ها جا نیافتاده بود. اینکه برای مردم، نخبگان و دانشگاهیان جا می‌افتد، مثل شهید آیت یا مرحوم آقای بهشتی، این اولویت بوده است. موضوع انتقال بوده است؛ تبیین اسلام خودش حکومت دارد. اگر ما این را رعایت نمی‌کردیم اصلاً وارد مرحله نظام اسلامی نمی‌شدیم، انقلاب می‌شد و وارد مرحله جمهوری دموکراتیک می‌شدیم. یک مسیر دیگر تبدیل می‌شد، مثل مشروطه. هر چند در مشروطه باز نظارت فقها را اسماً حفظ کردند، در قانون بود ولی اجرا نمی‌کردند. مرحوم مدرس برای همین قانون مشروطه بود که از نجف به ایران آمدند. موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام تبیین تئوری ولایت فقیه رسید.

۵/۲/۴/۴-دفاع مقدس، موضوع انتقال از مرحله ی نظام اسلامی به مرحله ی دولت اسلامی

یک مرحله نظام اسلامی داریم به مرحله دولت اسلامی، این جا موضوع انتقال چیست؟ بالاخره ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، نظام اسلامی مستقر شده، امام روی چه ایستاد تا این انقلاب منتقل شد؟ وقتی رفتند گفتند با دلی آرام امور را به دست آیت‌الله خامنه‌ای می‌سپارم و می‌روم. این اتفاقی که افتاد و تثبیت شد. امام باز یک موضوعی را رعایت کردند که اگر در ادبیات‌شان بگردید یک عبارت «جنگ در راس امور است» و مجموعه تبیین‌هایی که درباره پدیده دفاع مقدس دارند که امام می‌گویند این جنگ بود که اسلام را صادر کرد، جنگ بود که به ما توانمندی داد. ما روی این تشریحی که امام کردند حساس هستیم،

۵/۲/۴/۴/۱-ایجاد ظرفیت، خودباوری و استقلال برای نیروهای انقلاب و غلبه بر تحریم‌ها و تربیت مدیران، نتیجه ی توجه به مسئله ی جنگ به عنوان موضوع

انتقال

یعنی مسئله جنگ باعث شد که ما خودباوری و ظرفیت اداره کردن خودمان را بدست بیاوریم که اگر جنگ اتفاق نمی‌افتاد این روحیه به وجود نمی‌آمد. شما اصلاً نمی‌توانستید وارد مرحله دولت اسلامی بشوید. اصلاً اگر مساله جنگ نبود، ولو اینکه اگر شما در قانون اساسی می‌بردید، توان برنامه‌ریزی اولیه برای دولت اسلامی را نداشتید. لذا جنگ استقلال برای کشور درست کرد. آن شرایط سخت جنگ، تحریم‌هایی که به وجود آورد، جمعیت‌هایی که بعداً مدیر شدند؛ شدند رئیس جمهور، پست‌های مملکتی را گرفتند، همه حاصل همین جنگ بود.

لذا در مسئله جنگ در راس امور است، موضوع انتقال است. امام هم در فرمایشات‌شان بود، حتی وقتی آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواستند میرحسین موسوی را عوض کنند، امام گفتند جنگ لطمه می‌خورد. اجازه ندادند این اتفاق بیفتد. یعنی می‌خواهم بگویم موضوع انتقال حرکت، هیچ وقت نباید فراموش بشود.

۵/۲/۴/۵-تولید الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع انتقال از مرحله ی دولت اسلامی به مرحله جامعه ی اسلامی و به عنوان ابزار توانمند سازی ساختارها برای تحقق

مینا

حالا دیگر در دولت اسلامی هستیم و می‌دانیم آینده‌مان هم جامعه اسلامی است. موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی چیست؟ این هم یک تک موضوع است، اگر در اولویت کار قرار بگیرد و به همه موضوعات ترجمه بشود. اگر شما



ترجمه نکنید یعنی موضوع اصلی را رعایت نکنید، انتقال تان واقع نمی‌شود. امام راحل مدیریت‌شان در واقع جا انداختن دو تا اولویت بود و بعد تحویل آیت‌الله خامنه‌ای دادند. آیت‌الله خامنه‌ای هم الان درگیر یک موضوع انتقال هستند، که آن موضوع انتقال بنا بر تعریفی که ما ارائه دادیم موضوعی است که علت توانمندی‌های ساختارهای شما می‌شود. یعنی قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنا را ایجاد می‌کند. یعنی شما گفتید دولت اسلامی دولتی است که باید توانمند باشد برای تحقق مبنا. آینده‌تان هم جامعه اسلامی. پس موضوع انتقال علت توانمندی‌های ساختاری که موضوع انتقال از این مرحله به آن مرحله تولید الگوی پیشرفت اسلامی.

۵/۲/۴/۵/۱- در کنار هم قرار گرفتن و همسنگ بودن موضوعات انتقال جنگ، تئوری ولایت فقیه و تولید الگو از نظر اهمیت

یعنی جنگ اهمیت دارد، تئوری ولایت فقیه هم اهمیت دارد و اگر ما این مسئله را تولید نکنیم، ساختارهای مان توانمند نمی‌شوند. به مرحله جامعه اسلامی انتقال هم پیدا نمی‌کنید.

۵/۲/۴/۵/۲- توانمندی ساختارهای فعلی در جهت تحقق شاخص‌های جهانی توسعه و تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای توانمندی ساختارها به منظور تحقق

شاخص‌های هویت اسلامی

الان ساختارهای ما متأثر از شاخص‌های توسعه جهانی WDI هستند. توانمند هستند برای تحقق شاخص‌های WDI. ما این الگو را تولید نکنیم ساختارهایمان توانمند نمی‌شوند برای اجرای شاخص‌های هویت اسلامی. یعنی همان بحثی که کارشناس مرکز آمار می‌گفت. در مرحله دولت اسلامی، موضوع انتقال‌مان تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. الگو را تولید کنیم ساختارهایمان می‌توانند برنامه‌ریزی کنند. بدون الگو ساختارها نمی‌توانند. نه اینکه نمی‌خواهند. بدنه کارشناسی نمی‌فهمد چگونه عدالت را محاسبه کند، نهایت می‌گوید عدالت همان ضریب جینی است. ضریب جینی یعنی همان روش محاسبه توزیع درآمد نه روش محاسبه عدالت که این متفاوت است. ما می‌گوییم این بحثی که شما توضیح دادید، روش برنامه‌ریزی برای تحقق خانواده نشد، برای ارزش افزوده شد. یعنی کاملاً می‌توانیم بفهمیم توانمندی‌های ساختارهایمان برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی می‌شود یا نه. دولت اسلامی یعنی توانمندی‌های و توانمندی‌های با الگوی پیشرفت اسلامی محقق می‌شود. اگر محقق کردید و تولید کردید، دولت شما توانمند می‌شود و انتقال واقع می‌شود. اگر تولید نکردید انتقال دچار مشکل است. همه امور باید ارتباطشان با این مساله دیده بشود.

۵/۳/۴/۵/۳- ایده‌ی بانک سوالات طراحی شده برای به چالش کشیدن نخبگان در جهت توانمندی ساختارها

ما یک ایده داریم به اسم بانک سوالات که عمده طراحی‌اش برای پایان‌نامه‌ها است، ولی به‌درد رسانه‌ها هم می‌خورد، که نخبگان را با این سوالات به چالش بکشد. مسئله اصلی‌مان توانمندی‌های ساختارها است. همه امور را باید با این بسنجیم،

۵/۳/۴/۵/۴- در نظر گرفتن خانواده به عنوان زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی

خانواده نسبتش با توانمندی‌های ساختارها چیست؟ ما مکرر گفتیم خانواده زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. بعداً این را شرح می‌دهیم. این نقش هم در واقع گام دوم توانمندی‌های ساختارها است.



۵/۵/۴/۳-۵ توانمند سازی ساختارها به سمت تحقق عدالت با مدیریت ۲۰ ساله ی رهبری، متبلور در دولت های نهم و دهم

ما بنظرمان در ۲۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب با مدیریت شان در یک مرحله ساختارها را توانمند کردند، که نتیجه اش همین سفرهای استانی و رفتن سمت عدالت است؛ همین شاخص هایی که در دو دولت قبلی نبود. یعنی سعی کردند بروند به سمت عدالت، یعنی ساختارها یک تغییرات در آن ایجاد شده،

۱/۵/۴/۳-۵ انحلال سازمان مدیریت به عنوان متکفل برنامه ریزی برای توسعه، گامی مثبت در جهت توانمند سازی اجمالی شاخص های اسلامی

ولو اینکه شما بگویید سازمان مدیریت و برنامه منحل شد. سازمانی که متکفل برنامه ریزی برای توسعه بود منحل شد. ما این را چیز بدی نمی دانیم، یعنی فی الجمله ساختارها یک توان مندی اجمالی در شاخص های مدیریت اسلامی پیدا کرد.

## ۶- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ابزار توانمندسازی ساختارها و تحقق دولت اسلامی

۱/۶- تعریف تحقق دولت اسلامی در سه مرحله ی قانون اساسی فعلی (مرحله ی پیدایش)، قانون اساسی الگوی پیشرفت

### اسلامی و قانون اساسی انقلاب فرهنگی

این جدول ما پیشنهاد گام دوم است. جدولی هم برای گام سوم هست. لذا اگر شما جدول ما را ذیل دولت اسلامی ملاحظه کنید، ما دولت اسلامی را در سه مرحله تعریف کردیم:

۱/۶-۱ مرحله ی اول: پیدایش قانون اساسی فعلی، مصوب سال ۵۸ و اصلاح در سال ۶۸

یک مرحله از دولت اسلامی مرحله پیدایش است که در واقع با قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات سال ۶۸ انجام شد.

۲/۶-۱- مرحله ی دوم: قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی به معنای تغییرات لازم در قانون اساسی فعلی برای تحقق شاخص های مدیریت

اسلامی

یک مرحله ی دیگر ما پیشنهاد تغییراتش را در جدول تبیین کردیم، یعنی چه تغییراتی در ساختارهای فعلی ایجاد بشود تا شما بتوانید شاخص های مدیریت اسلامی را توضیح بدهید. اسمش را گذاشته ایم "قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی"

۳/۶-۱- مرحله سوم: قانون اساسی انقلاب فرهنگی

یک مرحله هم داریم قانون اساسی بعد از این نقشه راه که ما از آن تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

پس سه تا قانون اساسی شد،

## ۶/۱/۴- تبیین روابط ساختارها در قالب قوانین اساسی

در واقع قانون اساسی تبیین روابط ساختارها است.

### ۶/۱/۱- تحقق اسلام به میزان فعلی به وسیله ی روابط ساختاری تعریف شده در قانون اساسی مرحله ی اول

یک قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ داریم که این توانش همین قدر است. یعنی روابط ساختاری که تعریف کردیم همین قدر اسلام را محقق می کند.

### ۶/۱/۲- قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهادی برای تغییر در روابط ساختارها در جهت توانمندسازی

ما پیشنهاد دادیم یک تغییرات ساختاری ایجاد شود که اینها توانمندتر بشوند. اسمش را گذاشته ایم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

### ۶/۱/۳- اعمال تغییرات فرهنگی در روابط ساختاری و نیل به قانون اساسی واحد به نام انقلاب فرهنگی

این مرحله هم که به فضل الهی عبور کنیم، یک قانون اساسی داریم، یعنی دولت اسلامی تک قانون، که قانون اساسی اسم انقلاب فرهنگی توضیحش بوده است. باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم، یعنی حتما باید روابط ساختاری تغییر کند. چطور شما از زمان شاه آمدید به زمان انقلاب، روابط ساختاری را تغییر دادید که توانستید اسلام را محقق کنید. در سال ۶۸ به این نتیجه می رسید که این قانون اساسی برای اجرای اسلام مشکلاتی دارد. تغییرش دادیم.

پس یک مرحله دولت اسلامی توانمندسازی ساختارها در سطح قانون اساسی فعلی است. حالا ساختارها باید یک تغییراتی بکنند که توانمندتر بشوند. برای چی؟ برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی. ما اسم این مرحله از توانمندسازی را گذاشتیم قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

یک مرحله تکاملی هم پیشنهاد دادیم، قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

## ۶/۲- تعریف تغییرات ساختاری لازم در قانون اساسی فعلی برای تحقق مبنا به صورت همه جانبه در نقشه راه تولید

### الگوی پیشرفت اسلامی

نقشه راه به شما می گوید برای شما تغییرات ساختاری که لازم دارید تا برای تحقق مبنای تان توانمندتر بشوید. من تأکید دارم، برای اولین بار به فضل الهی تغییرات ساختاری بخش های مختلف نظام تبیین شده است. نه به صورت جزئی؛ یعنی سعی شده همه ی تغییرات لازم در همه ساختارها دیده شود. چون قانون اساسی فعلی همین قدر ظرفیت دارد.



## ۶/۲/۱- جایگزینی مرکز الگوی پیشرفت در دفتر رهبری به جای سازمان مدیریت با وظیفه ی انتشار شاخص های هویت اسلامی

مثلاً مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که الان در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای تاسیس شده، با تغییراتی که بعداً می‌کند- جای سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور را می‌گیرد. بعد این را شما باید بیاورید در قانون اساسی. یعنی شما باید یک مرکز درست کنید، این مرکز باید خودش توان داشته باشد، بتواند تحلیل کند، تحقیق کند، شاخص‌های هویت اسلامی را منتشر کند، محاسبه کند، بعداً این را جایگزین آن سازمان مدیریت می‌کنید.

### ۶/۲/۱/۱- جابجایی نهاد برنامه ریز از بخش اجرایی به نهاد متکفل جهت یعنی تحت نظارت رهبری

یعنی به لحاظ ساختاری باید به نظر ما بیاید زیر نظر دفتر رهبری. برنامه‌ریزی برای اداره کشور نباید بیاید در بخش اجرا، باید بیاید به دست کسی که متکفل جهت است.

قانون اساسی می‌تواند بگوید مبعوع باید متکفل این کار شود؟

مثلاً، احتمال دیگری است، ولی بالاخره مجمع با این مرکز تحقیقاتی که دارد توسعه مالزی را تئوریزه می‌کند. اصل قضیه باید تبیین می‌شد.

شاید قانون اساسی فعلی از لحاظ ساختاری مشکل نداشته باشد.

آن وقت مشکلش این است که مجمع نقش مشورتی دارد، نقش برنامه‌ریزی ندارد در قانون اساسی. یعنی ما می‌گوییم تغییرات کند. بالاخره ما به نظرمان می‌آید اختیارات برنامه‌ریزی کشور، حداقل در سطح جهت‌گیری یک نهاد قانونی درست بشود.

اگر جهت‌گیری باشد که می‌تواند به عنوان سیاست کلی ابلاغ شود

الان سیاست کلی ابلاغ می‌شود، ولی تبیین برنامه نمی‌شود. من یک وقت در یک جلسه گفتم حداقل در سطح قوانین عادی باید تغییر ایجاد شود. الان وقت بحث این حرف‌ها نیست. یعنی اول باید بیاییم ببینیم چه جور باید الگو را تولید کنیم. یعنی اگر شما الگو را درست کنید، مساله‌ی ساختاری‌تان هم تبیین می‌شود. شما در مرحله دوم دولت اسلامی هستید، در مرحله دوم دولت اسلامی، ما آمدیم یک تبیینی ارائه دادیم از چگونگی توان‌مندسازی ساختارهای شما برای تحقق مبنایان. یک تبیین هم برای آینده داریم. ما می‌توانیم از این که هست ساختارهای مان را توانمندتر کنیم. یک گزارشی دادم به حاج آقای تهرانی. حاج آقای تهرانی گفتند این کف اسلامیت است. به بیان ساده‌تر، ما باید یک مقدار سطح اسلامیت را ارتقا بدهیم. از مرحله فعلی بیاییم بالاتر. ما این را در ۲۷ گونه تبیین کردیم. که این گزارش اجمالی از این نقشه راه.

## ۶/۲/۲- حفظ هویت خانواده با تحول بنیادین در آموزش و پرورش به منظور تربیت انسانها برای نهاد خانواده، اولین تغییر ساختاری لازم

اولین ضرورت ساختارها این است که هویت خانواده را در برنامه‌ریزی حفظ می‌کند. شما اگر بخواهید خانواده تشکیل بدهید، زن و مرد که خانواده را تشکیل می‌دهند در نظام آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا کردند و پیدا می‌کنند. تحول بنیادین باید بدهید، آموزش پرورش بتواند همسر تربیت بکند. یعنی حتماً باید این در آن لحاظ شود و جزء لاینفک تحول بنیادین است.



۶/۲/۲/۱- بی توجهی به پرورش انسانها برای نهاد خانواده در طرح های تحول بنیادین آموزش و پرورش به علت تبیین نشدن جهت حرکت جمهوری اسلامی

در حال حاضر چون جهت جمهوری اسلامی تبیین نشده است، هر چند طرحی هم به اسم طرح تحول بنیادین آموزش پرورش ارائه دادید، ولی در این طرح تحول معلوم نشده که بالاخره محتوای آموزشی چقدر در اختیار تربیت همسران آینده است؟ شما از توانمندسازی ساختارها صحبت می کنید، این توانمندسازی ساختارها، یک قسمت توانمندسازی ساختار آموزش و پرورش است. برای تربیت آدم هایی که بتواند خانواده را متکفل شود.

۶/۲/۳- تغییر ساختارهای الگوی مصرف و اصلاح آن، و احیاء و جایگزینی نقش پدر و مادر به جای نقش نان آوران خانواده

بحث دیگر ساختارها اصلاح الگوی مصرف است. الان شما با یک معضلی روبه رو هستید، پدر و مادر به دلیل اینکه می خواهند در نرم مصرف امروز زندگی کنند، (اگر زندگی نکنند که از پسند اجتماعی خارج می شوند) مجبور هستند هر دو کار کنند تا هزینه های این الگوی مصرف را تامین کنند. لذا ما الان پدر و مادر نداریم، ما نان آور داریم، به اصطلاح فنی تر ما صیغه ازدواج دائم می خوانیم، ولی تحقق متعه داریم. چون پدر و مادر مشغول تامین الگوی مصرف فعلی هستند، روی توانمندسازی صحبت می کنید دیگر، برای تحقق شاخص های هویت اسلامی.

۶/۲/۳/۱- رفاه در معنای مدگرایی افسار گسیخته مفهومی ضد خانواده و اصلاح الگوی مصرف به معنای توقف رفاه لفظی در حد معقول و کسب آسایش با احکام

خانواده نه با رفاه لفظی

پس حتماً اصلاح الگوی مصرف، معنای رعایت استانداردهای دیگر نمی دهد. معنای اصلاح الگوی مصرف این است که رفاه مادی باید در یک حدی متوقف شود. اگر این کار را نکنید خانواده از بین می رود. یعنی مبنای رفاه ضد خانواده است. معنای لفظی نه، یعنی مدگرایی افسار گسیخته. ما تعبیری که می کنیم اینجوری است، می گوئیم رفاه یعنی مبلمان مان شیک تر باشد، ولی آسایش که باید در خانه باشد، نیست. خب آسایش چه می شود؟ آسایش همان احکام خانواده است. مبنای رفاه باید کنترل شود. جامعه اسلامی باید به دنبال یک سطحی از رفاه باشد. یک سطحی از رفاه که تامین شد، باقی برنامه ریزی ها باید بیاید برای توانمندسازی پدر، پدر بودن را در نان آور بودن خلاصه ناند.

۶/۲/۴- ابزار اندازه گیری شاخص های هویت اسلامی (معادل WDI در الگوی توسعه)، تعریف شده در بخشی از نقشه راه تولید الگوی

پیشرفت اسلامی

از نکات جالب جدول ما این است که ما یک خانه ای داریم به اسم شاخص های هویت اسلامی. ما در این گزارش ها روش محاسبه را منتشر می کنیم. شما تا زمانی که نتوانید روش محاسبه تان را منتشر کنید، برای چه به ساختارها می گوئید بیایند محققش کنند؟ به جای WDI به دنبال منتشر کردن این شاخص ها هستیم با محاسباتش. منتها حالا این چیزی که ما گرفتیم شاید در حد ۳۰ تا شاخص است که روش محاسبه ش هم ضمیمه می کنیم. بعدها باید گسترش پیدا کند. این نطفه های اولیه آن گزارش های مبنایی شما می شوند. بعداً در سطح جهان هم قابل استفاده می شود.



خلاصه ی مطالب: بیان توانمند سازی ساختارها در دو زمینه ی تحول در آموزش و پرورش و اصلاح الگوی مصرف برای احیای نهاد خانواده

مسئله را می خواستم بگویم که توانمندسازی ساختارها ما دو تا را اشاره کردیم، یکی حتما باید ساختارها بروند به سمت اصلاح الگوی مصرف، یکی هم باید ساختارها بروند به سمت تحول در آموزش و پرورش که خروجی اینها بشوند احیای نهاد خانواده. یعنی حداقل بحث اصلاح آموزش و پرورشش واضح است. شما دختران را آموزش نمی دهید که مادر یا همسر باشند. مفاد درسی ارتباطی با این بحثها ندارد. پسران را هم همین طور. پس حتماً باید این ساختار آموزش و پرورش تغییر کند به این سمت.

۶/۲/۲- احتمال طرح اشکال به تحول در آموزش و پرورش به علت ایجاد خلل در تربیت نیرو برای بخش صنعت

حالا خانواده پردازش زیادی دارد، بعداً حتما اشکال می کنند، می گویند یک آموزش و پرورش کشور دارد تامین نیرو می کند برای صنعت کشور، شما اگر به آن دست بزنید این روی زمین می ماند. سوالات جدی بی است. که حالا در این باره ما بحثهای جدی ای داریم که بحث خانواده، یک کارگاه یک روزه می خواهد که آن ایده ما تبیین بشود که چطور می شود رفت به سمت اصلاح.

۶/۲/۲/۱- بی معنا بودن الگوی پیشرفت اسلامی بدون برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده

اجمال قضیه این است که ما جامعه اسلامی بدون خانواده ی توانمند برایمان معنا ندارد، الگوی پیشرفت اسلامی بدون در نظر گرفتن برنامه برای خانواده هم معنا ندارد. زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی ارائه ی روش برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده است.





## فهرست تفصیلی:

### ۱- تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت فعالیت های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی قم..... ۸

#### ۱/۱- طرح مسئله ی الگوی پیشرفت در کشور با سه دستور کار ..... ۸

۱/۱/۱- دستور کار اول: معرفی نقشه راه شورا تولید شده در عرض ۱۵ سال ..... ۸

۱/۱/۱/۱- ده سال پرداختن به مبانی انقلاب و پنج سال ناظر به راهکار تغییر در ساختارهای نظام به صورت کاربردی ..... ۸

۱/۱/۲- دستور کار دوم: برقراری ارتباط میان محورهای نقشه راه با نهادهای نظام (تشکیل کارگروه ها) ..... ۸

۱/۱/۲/۱- محورهای ۲۷ گانه ی تعریف شده برای نقشه راه، در دو دسته ی دارای نهاد متکفل در نظام و بدون نهاد متکفل با ضرورت

تاسیس این نهادها ..... ۸

۱/۱/۳- دستور کار سوم: تولید سیاست های کلان اداره ی کشور در قالب برنامه ی پیشرفت، و ارائه ی آن به دفتر مقام معظم رهبری ..... ۸

۱/۱/۱/۲- نشست های معرفی نقشه راه با سه روش ..... ۹

۱/۱/۱/۲/۱- نشست های خانگی، مخصوص مستظرفین در قالب مهمانی و اطعام با شرکت نخبگان و آشنایان، شوه ای ابداعی و

رضایت‌مندانه ..... ۹

۱/۱/۱/۲/۲- نشست های خبری با رسانه ها، به منظور قرار گرفتن محورهای نقشه راه در دستور کار تولید خبر ..... ۹

۱/۱/۱/۲/۳- نشست معرفی با حوزویان و دانشگاهیان ..... ۹

۱/۱/۲/۲- ایجاد کارگروه متشکل از نمایندگان مجلس در مجلس جهت اصلاح نحوه ی قانون گذاری ..... ۹

#### ۱/۲- به هم زدن تعادل کل برنامه های توسعه، هدف شورای راهبردی ..... ۱۰

۱/۲/۱- تغییر در محور برنامه ریزی های توسعه از مبنای اقتصاد به مبنای فرهنگ در قالب برنامه ی پیشرفت ..... ۱۰

### ۲- آسیب شناسی پرداختن به مسائل نو و تاسیسی به عنوان سفارش علمی توسط رهبری به نخبگان از جمله

### اقتصاد مقاومتی، تبیین نسبت عدالت و پیشرفت، الگوی پیشرفت اسلامی، اصلاح الگوی مصرف و ..... ۱۰

#### ۲/۱- آسیب شناسی ورود حوزویان و دانشگاهیان به عرصه ی پاسخ گویی به سوالات جدید در قالب نشست ها ..... ۱۰

۲/۱/۱- برگزاری نشست ها، متعاقب طرح مباحث جدیدی همچون زمان و مکان در اجتهاد یا بحث انقلاب فرهنگی توسط امام خمینی (ره) و

بسط این سوالات جدید توسط امام خامنه ای (دام ظلّه) ..... ۱۰

۲/۱/۱/۱- انحلال مسئله جدید انقلاب در یک مسئله ی قدیمی و پرداختن به آن، آسیب برگزاری این نشست ها ..... ۱۱

- ۲/۱/۱/۱- انحلال مسئله ی جدید الگوی پیشرفت اسلامی در مسئله ی قدیمی الگوی توسعه و پرداختن به آن، به عنوان نمونه ای از آسیب برگزاری این نشست ها ..... ۱۱
- ۲/۱/۱/۲- انحلال مسئله ی جدید زمان و مکان در اجتهاد در مسئله ی قدیمی زمان و مکان در اجرای حکم (تزامم) نمونه ای دیگر از آسیب برگزاری این نشست ها ..... ۱۱
- ۲/۱/۱/۳- انحلال مسئله جدید اقتصاد مقاومتی در مسئله ی مشابه قدیمی و پاسخ به آن، نمونه ای از آسیب برگزاری این نشست ها ..... ۱۱
- ۲/۱/۱/۴- متهم کردن رهبران نظام به عدم طرح مسائل نو و فهم با تاخیر همان مسائل قدیمی، آسیبی دیگر از برگزاری این گونه نشست ها ..... ۱۲
- ۲/۱/۲- عدم تبیین روشن مسائل تاسیسی انقلاب نزد برگزار کنندگان و شرکت کنندگان این همایش ها، خلاصه ی آسیب شناسی همایش ها ..... ۱۲
- ۲/۱/۲/۱- انحلال مسئله ی جدید انقلاب در یک مسئله ی قدیمی و نادیده گرفته شدن ایده ی نواداره ی جامعه بر مبنای دین، نتیجه ی مرتفع نشدن این آسیب ..... ۱۲
- ۲/۱/۲/۲- اکتفای حد اقلی به ترکیب همان الگوی توسعه ی موجود با بوم، نتیجه ی مرتفع نکردن این آسیب طی چند دهه ی آینده ..... ۱۲
- ۲/۱/۲/۳- القای نادرست بودن مسیر طی شده ی ایران در ۸۰ سال گذشته و شعاری بودن اهداف انقلاب، نتیجه ی علاج نکردن این آسیب ..... ۱۲
- ۲/۲- تبیین تطبیقی مسائل انقلاب با مسائل رایج دنیا (به عنوان نمونه الگوی پیشرفت اسلامی و الگوی توسعه غربی) و تبیین اشتراکات و تفاوت های آنها برای متولد کردن مسئله ی جمهوری اسلامی، راه حل رفع این آسیب ها ..... ۱۲
- ۲/۲/۱- اختلاف مبنایی مسائل انقلاب با مسائل رایج دنیا به معنای مد نظر نبودن تغییرات بومی و روئبایی در مسائل رایج دنیا و تبدیل آنها به پاسخی برای مسئله انقلاب ..... ۱۳
- ۲/۲/۲- تبیین موضع برگزار کنندگان نشست های پاسخ گویی به مسائل انقلاب، به صورت تفصیلی، واضح، مستدل و محکم، هر آنچه که هست از جمله اکتفا به تغییرات روئبایی در الگوهای غربی و بومی سازی آنها و یا اعتقاد به اعمال تغییرات مبنایی، مرتفع کننده ی آسیب تبیین اجمالی ..... ۱۳
- ۲/۲/۳- قرار گیری سه دسته ی متمایز قائلین به تفاوت ماهوی توسعه و پیشرفت (دیدگاه تاسیسی)، وجود اشتراکات فراوان (دیدگاه تلفیقی) و این همانی توسعه و پیشرفت (معتقد به مدرنیزاسیون) در کنار هم بدون شفاف سازی دیدگاه ها در این نشست ها، آسیب تبیین اجمالی رویکرد همایش ..... ۱۴
- ۲/۲/۴- اعتقاد به تاسیسی بودن پیشرفت اسلامی به صورت شفاف و اعتقاد به خطرناک بودن دیدگاه یکسان پنداری آنها، نقطه ی آغاز و اصلی شورای راهبردی در بحث با نخبگان ..... ۱۴
- پرسش و پاسخ: امکان مغلوب شدن فطرت در مواجهه با فضای کفر و عدم امکان اثبات درستی یک گزاره با ارجاع به فطری بودن در این شرایط ..... ۱۴
- پرسش و پاسخ: تایید فرهنگ تولید شده ی بشری به میزان تاثیر گذاری فرهنگ انبیاء و وجود آثار آنها در میان جوامع ..... ۱۵



۳- ملاحظه ی نتیجه ی به کارگیری الگوی توسعه ی غربی در پی بررسی وضعیت کشورهای توسعه یافته G8 به صورت عینی و ملموس ..... ۱۵

۳/۱- وجود مشکلات معنوی، فقدان عدالت، فروپاشی نهاد خانواده و ...، نتیجه بررسی شاخص های کشورهای توسعه یافته بر اساس فرهنگ اسلامی و عدم تضمین تکرار نشدن این شاخص ها در صورت به کارگیری همان الگو ..... ۱۵

۴- لزوم انتخاب مبنای اداره ی جامعه بر مبنای دین یا دین داران در جهت تفصیل ایده ی اداره ی جامعه بر مبنای دین ..... ۱۶

۴/۱- انتخاب یکی از راه حل های موجود در دنیا توسط دینداران، خواه مرتبط با دین یا بی ارتباط با آن، در صورت مبنا قرار گرفتن دینداران در اداره ی جامعه ..... ۱۶

۴/۲- لزوم استفاده از دینداران در صورت مبنا قرار گرفتن دین در اداره ی جامعه ..... ۱۶

۵- تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی، راه حل ارائه شده توسط شورای الگوی پیشرفت برای جلوگیری از آسیب های نامبرده در همایش های مربوط به پاسخ به مسائل انقلاب اسلامی و به عنوان یک الزام برای همه ی همایش های از این دست ..... ۱۷

۵/۱- امکان تبیین صحیح جزئیات ساختارهای اجتماعی در صورت تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی و ایجاد آفت انحلال مسائل انقلاب در مسائل قبلی در صورت عدم تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی ..... ۱۷

۵/۲- تعریف جهت در سه کلمه ی مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت در نقشه راه پیشرفت ..... ۱۷

۵/۲/۱- خارج کردن مفهوم جهت حرکت از اجمال به تفصیل در نقشه راه به کمک سه عبارت مبنا، مراحل و موضوع انتقال حرکت ..... ۱۷

۵/۲/۲- مبنا به معنای ایده ی قابل ترجمه برای همه ی بخش ها در همه ی زمان ها، مکان ها و شرایط برای ارزیابی فعالیت ها ..... ۱۸

۵/۲/۲/۱- تحقق شاخص های هویت اسلامی، مبنای حرکت جمهوری اسلامی در همه ی زمان ها و مکان ها و قابل ترجمه برای همه ی

ساختارهای اجتماعی ..... ۱۸

۵/۲/۲/۱/۱- توضیح مبنا به کمک سه کلمه ی ابلاغ، تحقق و شاخص های هویت اسلامی ..... ۱۸

- ۱/۱/۲/۵- فعالیت علمی در حد استنباط و فعالیت عملی در حد ابلاغ و نپرداختن به برنامه ریزی برای تحقق اهداف، ویژگی دیدگاه اسلام سنتی و مرزبندی اسلام ناب با این جریان در اعتقاد به تحقق و برنامه ریزی ..... ۱۸
- ۱/۲/۲/۵- اصل قرار دادن تحقق احکام اسلام، دیدگاه اسلام ناب به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی ..... ۱۸
- ۱/۳/۲/۵- تحقق مدرنیزاسیون، مبنای جریان روشنفکری و مرزبندی میان این جریان با جریان های اسلام ناب در عدم اعتقاد به تحقق هویت اسلامی و اشتراک با جریان اسلام ناب در اعتقاد به تحقق و ساختار سازی برای رسیدن به اهداف ..... ۱۸
- ۱/۲/۲/۵- وجود نحله های مختلف میان معتقدین به مبنای جمهوری اسلامی در مورد لزوم انطباق برنامه ها با اسلام و عدم نیاز این تطبیق و کفایت تحقق شاخص های هویت اسلامی با هر برنامه ای ..... ۱۹
- پرسش و پاسخ: طرح بحث تدرج در اجرای احکام و تعمیم آن به تحقق تدریجی اهداف اسلامی در شرایطی که قابلیت اجرا وجود ندارد توسط یک جریان و تقابل دیدگاه انقلاب با آن در اعتقاد به زمینه سازی بعض احکام برای بعض دیگر و طرح بحث تقدم در اجرای احکام و تعطیل ناپذیری اجرای اهداف اسلامی به بهانه ی تدرج ..... ۱۹
- پرسش و پاسخ: مسلم بودن تدرج در اجرای احکام و احتمال تاثیر معکوس اجرای حکم در صورت عدم زمینه سازی مناسب و لزوم تبیین دقیق و آکادمیک از تدرج برای جلوگیری از تصور نسخ کردن احکام به بهانه ی غیر قابل اجرا بودن ..... ۲۰
- پرسش و پاسخ: لزوم پردازش و استخراج قوائد فقهی و اصولی جدید و تامین الزامات تحقق شاخصه های هویت اسلامی با اعتقاد به تاثیر این الزامات در استنباط احکام اسلامی ..... ۲۰
- خلاصه ی مطالب: تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای جمهوری اسلامی، استنباط و ابلاغ مبنای جریان فهم سنتی و تحقق شاخص های هویت مدرن و اعتقاد به اصلاح قرائت دینی مبنای جریان روشنفکری و مبنای قرار گرفتن الگوی توسعه در برهه ای از حیات جمهوری اسلامی و قرار گرفتن مبنای جمهوری اسلامی در سایه ی توسعه ..... ۲۰
- ۳/۲/۵- تبیین مراحل تحقق مبنای به تقریر امام خامنه ای در پنج مرحله ..... ۲۱
- ۱/۳/۲/۵- مرحله ی انقلاب اسلامی، محقق شده در سال ۵۷ به منظور گرفتن اختیارات برای تحقق شاخصه های هویت اسلامی ..... ۲۱
- ۲/۳/۵- مرحله ی گزرانده شده ی نظام اسلامی با هدف تثبیت هویت اجتماعی و با تدوین قانون اساسی و لزوم مشارکت عمومی در تحقق اهداف اسلامی (جمهوریت) و تقید نظام به اسلام (اسلامیت) ..... ۲۱
- ۳/۳/۵- مرحله ی فعلی، دولت اسلامی به معنای مرحله ی توانمند سازی ساختارها برای تحقق شاخص های هویت اسلامی و تعریف سازوکارهایی برای اندازه گیری تحقق شاخص ها ..... ۲۲
- ۱/۳/۳/۵- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، ابزار توانمند سازی ساختارهای نظام به منظور تحقق شاخص های هویت اسلامی ..... ۲۲
- ۲/۳/۳/۵- رسیدن به قدرت برنامه ریزی در ساختارها بر مبنای تحقق شاخص های هویت اسلامی به میزان موفقیت در طی این مرحله ..... ۲۲



- ۵/۲/۳/۴- نیل به مرحله ی جامعه ی اسلامی، در نتیجه ی توجه نخبگان به تفاوت پیشرفت اسلامی و توسعه ی غربی و کسب توانایی  
 برنامه ریزی بر اساس مبنا و تحقق احکام اسلامی ..... ۲۲
- ۵/۲/۳/۵- مرحله ی تمدن اسلامی، متقارن با انتشار الگوی جامعه ی اسلامی در دنیا ..... ۲۲
- خلاصه ی مطالب: شفاف سازی مسئله ی انقلاب و رفع آسیب ها در صورت تبیین جهت جمهوری اسلامی متشکل از سه مفهوم مبنا، مراحل تحقق  
 مبنا و موضوع انتقال مبنا ..... ۲۳
- ۵/۲/۳/۱/۱- مقدمات وقوع مرحله ی انقلاب اسلامی سال ۵۷ از حدود ۲۰۰ سال قبل از آن با آغاز مبارزه ی میرزای شیرازی و نهضت  
 مشروطه و ... ۲۳
- ۵/۲/۳/۱/۱/۱- جمع آوری شناسنامه ی تاریخی دوپست سائله برای فقهای پرچمدار مبارزه با مدرنیته و استعمار در مناطق جغرافیایی  
 مختلف جهان اسلام در اثبات بطلان نظریه ی شاذ بودن رویکرد و نظریات امام خمینی (ره) ..... ۲۴
- ۵/۲/۴- موضوع انتقال به معنای اولویت لازم الاجرا در هر مرحله برای گذراندن آن مرحله ..... ۲۴
- ۵/۲/۴/۱- واحد بودن موضوع انتقال در هر مرحله برای انتقال به مرحله بعد و توقف در صورت نپرداختن به آن ..... ۲۴
- ۵/۲/۴/۲- موضوع انتقال به عنوان رکن سوم جهت اما مهمترین رکن در مدیریت فرآیند انتقال ..... ۲۴
- ۵/۲/۴/۲/۱- عدم توانایی ایفای نقش در فرآیند انتقال در صورت درک نشدن مسئله ی موضوع انتقال، با وجود درک مبنا و مراحل تحقق  
 مبنا و بسیج نیروها در جهت موضوعی با تحقق دشوار در شرایط موجود آن مرحله بدون در نظر گرفتن اصل تدرج ..... ۲۴
- ۵/۲/۴/۳- تبیین تئوری ولایت فقیه، موضوع انتقال از مرحله ی انقلاب اسلامی به مرحله ی نظام اسلامی ..... ۲۵
- ۵/۲/۴/۴- دفاع مقدس، موضوع انتقال از مرحله ی نظام اسلامی به مرحله ی دولت اسلامی ..... ۲۶
- ۵/۲/۴/۴/۱- ایجاد ظرفیت، خودباوری و استقلال برای نیروهای انقلاب و غلبه بر تحریم ها و تربیت مدیران، نتیجه ی توجه به  
 مسئله ی جنگ به عنوان موضوع انتقال ..... ۲۶
- ۵/۲/۴/۵- تولید الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع انتقال از مرحله ی دولت اسلامی به مرحله جامعه ی اسلامی و به عنوان ابزار توانمند  
 سازی ساختارها برای تحقق مبنا ..... ۲۶
- ۵/۲/۴/۵/۱- در کنار هم قرار گرفتن و همسنگ بودن موضوعات انتقال جنگ، تئوری ولایت فقیه و تولید الگو از نظر اهمیت ..... ۲۷
- ۵/۲/۴/۵/۲- توانمندی ساختارهای فعلی در جهت تحقق شاخص های جهانی توسعه و تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای توانمند سازی  
 ساختارها به منظور تحقق شاخص های هویت اسلامی ..... ۲۷
- ۵/۳/۴/۵/۳- ایده ی بانک سوالات طراحی شده برای به چالش کشیدن نخبگان در جهت توانمندسازی ساختارها ..... ۲۷
- ۵/۳/۴/۵/۴- در نظر گرفتن خانواده به عنوان زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲۷
- ۵/۳/۴/۵/۵- توانمند سازی ساختارها به سمت تحقق عدالت با مدیریت ۲۰ ساله ی رهبری، متبلور در دولت های نهم و دهم ..... ۲۸



۵/۵/۱/۴/۳-۵ انحلال سازمان مدیریت به عنوان متکفل برنامه ریزی برای توسعه، گامی مثبت در جهت توانمندسازی اجمالی شاخص

۲۸..... های اسلامی

**۶- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ابزار توانمندسازی ساختارها و تحقق دولت اسلامی..... ۲۸**

۶/۱- تعریف تحقق دولت اسلامی در سه مرحله ی قانون اساسی فعلی (مرحله ی پیدایش)، قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی و قانون اساسی

انقلاب فرهنگی..... ۲۸

۶/۱/۱- مرحله ی اول: پیدایش قانون اساسی فعلی، مصوب سال ۵۸ و اصلاح در سال ۶۸..... ۲۸

۶/۱/۲- مرحله ی دوم: قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی به معنای تغییرات لازم در قانون اساسی فعلی برای تحقق شاخص های مدیریت

اسلامی..... ۲۸

۶/۱/۳- مرحله سوم: قانون اساسی انقلاب فرهنگی..... ۲۸

۶/۱/۴- تبیین روابط ساختارها در قالب قوانین اساسی..... ۲۹

۶/۱/۱/۱- تحقق اسلام به میزان فعلی به وسیله ی روابط ساختاری تعریف شده در قانون اساسی مرحله ی اول..... ۲۹

۶/۱/۱/۲- قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهادی برای تغییر در روابط ساختارها در جهت توانمندسازی..... ۲۹

۶/۱/۱/۳- اعمال تغییرات فرهنگی در روابط ساختاری و نیل به قانون اساسی واحد به نام انقلاب فرهنگی..... ۲۹

**۶/۲- تعریف تغییرات ساختاری لازم در قانون اساسی فعلی برای تحقق مبنا به صورت همه جانبه در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۲۹**

۶/۲/۱- جایگزینی مرکز الگوی پیشرفت در دفتر رهبری به جای سازمان مدیریت با وظیفه ی انتشار شاخص های هویت اسلامی..... ۳۰

۶/۲/۱/۱- جابجایی نهاد برنامه ریز از بخش اجرایی به نهاد متکفل جهت یعنی تحت نظارت رهبری..... ۳۰

۶/۲/۲- حفظ هویت خانواده با تحول بنیادین در آموزش و پرورش به منظور تربیت انسانها برای نهاد خانواده، اولین تغییر ساختاری لازم..... ۳۰

۶/۲/۲/۱- بی توجهی به پرورش انسانها برای نهاد خانواده در طرح های تحول بنیادین آموزش و پرورش به علت تبیین نشدن جهت

حرکت جمهوری اسلامی..... ۳۱

۶/۲/۳- تغییر ساختارهای الگوی مصرف و اصلاح آن، و احیاء و جایگزینی نقش پدر و مادر به جای نقش نان آوران خانواده..... ۳۱

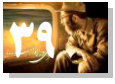
۶/۲/۳/۱- رفاه در معنای مدگرایی افسار گسیخته منمومی ضد خانواده و اصلاح الگوی مصرف به معنای توقف رفاه لفظی در حد معقول

و کسب آسایش با احکام خانواده نه با رفاه لفظی..... ۳۱

۶/۲/۴- ابزار اندازه گیری شاخص های هویت اسلامی (معادل WDI در الگوی توسعه)، تعریف شده در بخشی از نقشه راه تولید الگوی

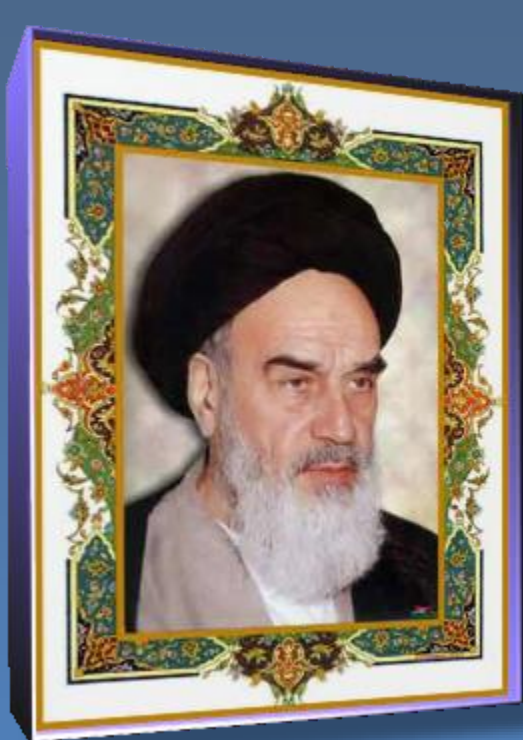
پیشرفت اسلامی..... ۳۱

خلاصه ی مطالب: بیان توانمند سازی ساختارها در دو زمینه ی تحول در آموزش و پرورش و اصلاح الگوی مصرف برای احیای نهاد خانواده..... ۳۲



۶/۲/۲-۲ احتمال طرح اشکال به تحول در آموزش و پرورش به علت ایجاد خلل در تربیت نیرو برای بخش صنعت ..... ۳۲

۶/۲/۲/۱-۱ بی معنا بودن الگوی پیشرفت اسلامی بدون برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده ..... ۳۲



ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم  
که یک الگوی اسلامی و ایرانی است  
از هدایت اسلام سرچشمه میگیرد  
از نیازها و سنتهای ایرانی بهره میبرد؛ یک الگوی مستقل

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

